

فصلنامه فَرْقُ الْقَلَمِ

دوره سوم - شماره سوم
بهار ۱۴۰۴



بامحوریت فقه تربیتی

نقش مدارس در تربیت.....سمیرایی کدلو
تربیت جنین از منظر اسلام.....سمانه شهبازی
تربیت اخلاقی کودک و فضای مجازی.....مائده بابایی
تربیت جنسی کودک و فضای مجازی.....مبینا عطر
مراقب این جوانه باش!.....فاطمه زهرا خسروآبادی
فقه تربیتی؛ به مثابه یک دانش.....مائده مهدوی



فصلنامه ن والقلم

صاحب امتیاز: معاونت دانشجویی فرهنگی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) پردیس خواهران

حاجی: انجمن علمی دانشجویی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) پردیس خواهران

مدیر مسئول: زهرا السادات نجم آبادی

سر دبیر: زهرا السادات نجم آبادی

مدیر اجرایی: مبینا عطر

هیئت تحریریه: مائده بابایی، مبینا عطر، فاطمه خسرو آبادی، سمیرا یکدلو، سمانه شهبازی، مائده مهدوی

ویراستاران فنی و ادبی: فاطمه رهبر

طرح جلد و صفحه آرا: نگار ابوترابی



پل ارتباط با ما

بسم تعالی

سومین شماره نشریه دانشجویی "ن والقلم" به لطف خداوند و همت دانشجویان عزیز منتشر گردید. از آنجا که نشریه حاضر در نظر دارد به فقه‌های تخصصی بپردازد؛ در این شماره، مباحث مرتبط با "فقه تربیتی" با فقه پژوهان و علاقه‌مندان حوزه فقه و تربیت به اشتراک گذاشته می‌شود. شماره سوم نشریه دربردارنده مقالات و یادداشت‌هایی در رابطه با تربیت جنسی و تربیت اخلاقی کودک، تربیت جنینی، نقش مدارس در تربیت و معرفی دانش فقه تربیتی است که با رویکرد فقهی و مبتنی بر آموزه‌های دینی و یا مصاحبه با اساتید نگاشته شده است. از زحمات همه دانش پژوهانی که در نگارش و انتشار این شماره از نشریه ن والقلم ما را همراهی نمودند، قدردانی می‌نمایم.

زهرالسادات نجم آبادی

فهرست

نقش مدارس در تربیت.....	۱
تربیت جنین از منظر اسلام.....	۱۰
تربیت اخلاقی کودک و فضای مجازی.....	۲۴
تربیت جنسی کودک و فضای مجازی.....	۵۱
مراقب این جوانه باش.....	۶۸
فقه تربیتی، به مثابه يك دانش.....	۷۳



نقش مدارس در تربیت

سمیرا بیکدلو^۱

تربیت و اهمیت آن در اسلام

امام خمینی (ره) تربیت را شکوفا نمودن استعدادها و فطرت الهی در وجود انسان می داند. (۱) در واقع تربیتی که هماهنگ با فطرت باشد به وسیله خداوند صورت می پذیرد و لذا برای تحقق این امر انبیا مبعوث شده اند تا راه را به انسان نشان دهند و او را به انجام اعمال صالح دعوت کنند. با خاتمه یافتن امر نبوت و امامت بر مربیان اعم از پدر و مادر معلمان و اساتید دانشگاه است که رسالت آنان را دنبال نمایند و به امر تربیت صحیح و مطابق با فطرت انسان بپردازند. در واقع «توحید ربوبی» سنگ بنای اعتقادی دین اسلام را تشکیل می دهد و در جامعه اسلامی مقصد و منتهای امر تربیت شمرده می شود. در این راستا امام خمینی (ره) می فرمایند: شما معلمین و شما دانشجویان از همین راهی که انبیا تعیین کرده اند، راه را طی کنید؛ همین راه خدا است و همین کودکان از اولی که وارد می شوند در محیط تعلیم یک نفوس سالم، ساده و بی آرایش و قابل قبول هر تربیتی و هر چیزی که به آنها القا می شود هستند و اینها از اول که وارد کودکستان می شوند اماناتی هستند الهی به دست آنهایی که در کودکستان آنها را تعلیم می دهند. اگر چنانچه این اطفال را از اول یک نحو تربیت بکنند که در آن انحراف نباشد تربیتهای مناسب با انسان باشد مناسب با فطرت پاک انسانها باشد. و اینها بعد که تحویل به جامعه داده میشوند و مقدرات جامعه قهراً به دست اینها سپرده می شود بالمآل یک کشور را کشور نورانی کشور انسانی میکنند و کشور [را] به فطرت الله تربیت می کنند شماها که مربی هستید یا میخواهید تربیت بکنید فرزندان خودتان را یا جامعه را باید توجه به این آیه شریفه داشته باشید که اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ " می خواهید آموزش بدهید و میخواهید آموزش پیدا کنید قرائت کنید با اسم ربّ باشد با توجه به خدا باشد با تربیت الهی باشد.

۱. سمانه بیکدلو دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی



اساس عالم بر تربیت انسان است. انسان عصاره همه موجودات است و فشرده تمام عالم است و انبیا آمده اند برای اینکه این عصاره بالقوه را بالفعل کنند.ⁱ شمایی که می‌خواهید تربیت بشوید، تربیت معلم یا تربیت بکنید، در رأس هر امری این است که با این تعلیم‌ها تربیت را مقدم بدانید. این جوانها نفوسشان مستعد است از برای گرفتن هر چیزی که وارد بشود در نفوس. نفوس جوانها یک آینه صیقلی است که باز از آن فطرت خودش جدا نشده است و این آینه همه چیز در آن نقش می‌شود ببندد. چنانچه معلم، یک معلمی باشد که دعوت به نور بکند، دعوت به صلاح بکند، دعوت به اسلام بکند، دعوت به اخلاق صالحه بکند، دعوت به ارزش‌های انسانی بکند، آن ارزشهایی که عندالله ارزش است، اگر معلم این کار را بکند، همان طوری که انبیا مردم را از ظلمات به نور می‌کشاند، این معلم هم این بچه‌ها را از ظلمات به نور وارد می‌کند و اگر خدای نخواست، معلمی یا معلم‌هایی بر خلاف مسیر حق باشند، تربیت نشده باشند، تزکیه نشده باشند، برخلاف صراط مستقیم الهی باشند، این آینه‌های صیقلی که نفوس جوانهای ماست، در آن همان تعلیمات اعوجاجی که در این خود معلم هست نقش می‌بندد و او را رو به انحراف می‌برد یا به طرف شرق و یا به طرف غرب.ⁱⁱ

از امام معصوم در مورد آیه: (مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا) سوال شد حضرت فرمودند: «هر کس کسی را از گمراهی به هدایت برساند، گویا او را زنده کرده است، و هر کس کسی را از هدایت به گمراهی بکشاند، گویا او را کشته است.»ⁱⁱⁱ این روایت و روایاتی از این قبیل حاکی از اهمیت تعلیم و تربیت است. انسانها در دو صورت بیشترین لطمه را در زندگی دنیا متحمل می‌شوند:

اول، وقتی که آموزش دهنده ای نداشته باشند که در این صورت در حکم «یتیم» هستند. دوم، وقتی که آموزش‌هایی که می‌بینند برای آنها نامناسب باشد که در این حالت در حکم «مستضعف» می‌باشند. نمی‌توان گفت کدام یکی از دو حالت فوق از دیگری بدتر است، زیرا در هر دو حالت خسارتی که به انسان وارد میشود قطعی است.

اگر انسان بدون برنامه ای مشخص از طرف افراد گوناگون آموزش ببیند و آموزش دهنده مشخصی از جنس صاحبان خرد نداشته باشد به جوگرایی و ظاهرنگری گرفتار می‌شود.



بخاطر نکته حیاتی است که تربیت معلمان عالم و خردمند ضرورت دارد. معلمانی که علاوه بر تسلط بر محتوای آموزشی، بتوانند دانش آموزان را با مفاهیم عالی انسانیت و هدف اعلی زندگی آشنا سازند.^{iv}

اصل تقدم تزکيه بر تعليم

همان طور که قرآن کریم، هدف بعثت انبیا را ابتدا تزکيه و سپس تعليم مطرح می نمایند (يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ)، امام ره هم در برنامه تربیتی خود، تزکيه را مقدم بر تعليم می داند؛ زیرا در صورت فقدان تزکيه علم - حتی اگر علم توحید هم باشد - به درد نخواهد خورد پس توجه کامل به این اصل یکی از نکات اساسی است که به هنگام تدوین اهداف و اصول تربیتی و تعیین سیاستگذاری‌های مبنایی و تعیین محتوا و روشهای تربیتی باید مورد توجه طراحان برنامه ریزی آموزشی و درسی باشد و جهت گیری های کلی نظام آموزشی به گونه ای باشد که قبل از ارایه مطالب آموزشی توجه و اهتمام ویژه ای در خصوص به فعلیت در آمدن زمینه های پرورشی مبذول داشته شود؛ چنان که امام ره می فرمایند:

آن کسی که دانش دارد لکن دانشش توأم با یک تهذیب اخلاق و یک تربیت روحی نیست این دانش موجب این می شود که ضررش بر ملت و کشور زیادتیر باشد از آنهایی که دانش ندارند تزکيه قبل از تعليم و تعلم است.

آموزش تنها فایده ای ندارد و گاهی هم مضر است. مقدار صدمه ای که ایران از متفکرین و متجددین فرنگ رفته خورده است از هیچکس نخورده است و این برای آن بود که آنها آموزش داشتند ولی تهذیب و پرورش نداشتند. اساس که تهذیب بود درست نشده بود و هم آنان بودند که بچه های ما را از ابتدا تا دانشگاه طوری تربیت می کردند که برای ملت و کشور مضر باشند و برای دیگران نافع.^۶

معلم عزیز بداند شغل او فقط تعليم نیست؛ یا به تعبیری فقط تعليم مطالب کتاب و دانش در دست اجرا نیست. معلم، هم باید علم بدهد، هم باید روش تفکر و کار تفکر را بیاموزد، هم رفتار و اخلاق آموزی در کار او باشد. اگر تعليم را یک معنای وسیعی بگیریم، این سه عرصه را شامل میشود:

یاد دادن دانش؛ محتوای کتابها و محتوای علوم و مانند اینها که باید بچه‌های ما - مردان و زنان آینده‌ی کشور ما - اینها را یاد بگیرند. این، یک کار است.



کار دوم که از این مهم‌تر است، یاد دادن تفکر است. سوّم، رفتار و اخلاق؛ آموزش رفتاری، آموزش اخلاقی. این احتیاج دارد به انسانهای صبور، عاقل، متدین، اهل ابتکار، اهل اقدام، دور از تنبلی، مهربان، عطوف، دارای حلم، دارای شجاعت، با رفتارهای مؤدبانه، پرهیزگار و انسانهایی که درد دیگران، درد آنها محسوب بشود.^۷

انسان از همان ابتدا که متولد می‌شود نیاز به آموزش دارد آموزشهایی که بتواند او را برای داشتن حیات حقیقی یاری رساند و او را برای بقای خوش عاقبت و پر فایده آماده سازد. این آموزش‌ها که به صورت مستقیم و غیر مستقیم توسط افراد نزدیک و دور ارائه می‌شود باید با اقتضائات فرد و بهره او از رشد و ظرفیتش در دریافت هدایت مناسب باشد. آموزشها در صورتی برای فرد مناسب هستند که محتوا، قالب زمان، ارائه شخص ارائه دهنده و شیوه ارائه متناسب با عقل و اقتضائات رشدی فرد باشد.^{vi}

رابطه آموزش و تربیت

مفهوم تربیت گسترده‌تر از آموزش است؛ زیرا تربیت شامل همه‌ی نیازهایی است که کودک برای رشد و تعالی خود به آنها احتیاج دارد، اعم از نیازهای جسمی، عقلی و روانی. اما آموزش، مختص به بیرون آوردن فرد از جهل به سوی علم است. بنابراین، آموزش یکی از ابزارهای تربیت محسوب می‌شود و هر دو با یکدیگر مرتبط هستند. هر آموزشی مصداقی از تربیت و بخشی از آن است. اسلام مسئولیت بزرگی را بر عهده‌ی والدین و مربیان گذاشته است تا کودکان خود را آموزش دهند و آنها را به گونه‌ای پرورش دهند که از سرچشمه‌ی فرهنگ و علم بهره‌مند شوند، ذهن آنها را بر فهم عمیق، دانش مجرد و درک صحیح و پخته متمرکز کنند؛ زیرا با علم است که استعدادها شکوفا می‌شوند، نبوغ ظهور می‌یابد، عقل‌ها به بلوغ می‌رسند و خلاقیت و نبوغ آشکار می‌شود.^{vii}

انواع تربیت در متون فقه شیعه

تربیت امری است که ساحات و انواع مختلفی دارد. ساحات تربیت در کتاب احکام الاطفال عبارت است از: هر یک از این ساحات هم در ^{viii} تربیت جسمی، تربیت ایمانی، تربیت خلقی، تربیت نفسی، تربیت عقلی محیط خانواده باید تحقق یابند و هم در محیط مدرسه و سایر مراکز و نهادهای اجتماعی.



ولایت معلم بر دانش آموز

اثبات این امر می^{ix}. طبق نظر فقهای امامیه، معلم نیز مانند والدین در تربیت و تعلیم کودکان ولایت دارد تواند آثار فراوانی را به دنبال داشته باشد. در واقع با اثبات ولایت معلم، می توان وظایف تربیتی و آموزشی والدین را بر عهده معلم نیز گذاشت و اختیارات والدین را نیز تا حدودی برای معلم ثابت کرد.

اهمیت محتوای آموزش

حال که زندگی انسان به طور کامل متأثر از آموزش است باید آنچه به او آموزش داده می شود سوق دهنده او به کمال باشد برای این منظور آموزشهایی که بتواند ساختار درونی او را به سمت دریافت حقایق و پذیرش آن بکشاند در اولویت است به واسطه این آموزش ها فرد هم انگیزه یادگیری علوم مورد نیاز خود را می یابد و هم توان تشخیص محتوای صحیح از غیر صحیح را خواهد داشت. آموزش کلام وحی در زندگی چنین نقشی را ایفا میکند و ساختار انسان را برای دریافت حقایق آماده می سازد. این آموزش پیوسته با تزکیه همراه است تزکیه به معنای پاکسازی و آماده سازی برای تعلیم است.

بنابراین محتوای آموزش نیز نکته بسیار مهمی است که باید بدان توجه نمود. اینکه چه محتوایی می تواند دانش آموزان را به سعادت واقعی برساند طبق متون فقهی آموزش احکام و عقاید و اخلاق الهی است. کما اینکه به این نکته در متون فقهی ما تأکید شده است. به عنوان نمونه مسأله ۵۲ از کتاب الخلاف شیخ طوسی تحت عنوان تأدیب الولد و تعلیمه الأحکام إذا بلغ سما^{۱۲} می باشد که محتوای آموزش را معین نموده است. آموزش احکام الهی توسط والدین که دقیقاً در همین سن والدین فرزندانشان را برای تعلیم به مدارس می سپارند. در واقع می توان گفت علاوه بر والدین تکلیف آموزش احکام بر عهده معلمان نیز می باشد. بنابراین مهم است معلم چگونه انسانی باشد و چه چیزی را آموزش دهد.

آموزشهای خداوند انسان را به نورانیت دعوت میکند و به واسطه آن انتظار میرود تقوا و پارسایی فرد روز به روز افزایش یابد.

این آموزشها بر اساس نیازهای حقیقی اند و انسان را به سمت قرب الهی سوق می دهند. همچنین این آموزش ها منجر به آباد شدن آخرت و به تبع آبادانی دنیای فرد می شود.



بر اساس آموزه های قرآن توجه به نیازها و تفکیک آنها به نیازهای حقیقی و غیر حقیقی و سوق دادن نیازها به سمت حقیقی از مهمترین رسالت هر آموزشی است چنین آموزشی که با کارها و فعالیت هایی همراه هستند فرد را به سوی کمال و خیر جهت میدهند. اگر کارها و فعالیتهایی که برای آموزش به کار گرفته میشود نتواند انسان را به سمت نیازهای حقیقی اش سوق دهد در واقع درست و مناسب انتخاب نشده اند و اگر هم آموزشی اتفاق بیفتد، فایده چندانی نخواهد داشت و گاهی نتیجه عکس حاصل می شود.

با توجه به این مطلب هر کسی که واسطه آموزشی برای کسی است باید بتواند نیازهای او را شناخته و با هدایت آن نیازها به نیازهای حقیقی میل و رغبت او را به سمت حقایق افزایش دهد. بنابراین باید بداند چه چیز را چگونه آموزش دهد تا بتواند فرد را برای دریافت حقایق آماده سازد. در این چنین آموزشهایی فعال سازی رغبت و خشیت یکی از مهمترین وظایف آموزش دهنده است هر چند ممکن است برای ایجاد رغبت و خشیت به صورت مستقل آموزشهایی به افراد داده شود.^{۱۳}

از آنجایی که توجه به نیازهای واقعی هم سوق دهنده به نیازهای حقیقی و هم کاذب است میتوان نیازهای واقعی را به عنوان مدخل آموزش در نظر گرفت و آن را به عنوان درب ورودی قلب و جان فرد دانست. اگر ساختار و نظام آموزشی دارای ویژگیهای زیر نباشد افراد را به سمت نیازهای کاذب سوق می دهد

۱- سیر آموزشها به شکوفایی عقل منجر نشود.

۲- محور آموزشها بر فعال سازی تفکر نباشد.

۳- بین علم و عمل افراد به تدریج فاصله بیفتد.

نیازهای کاذب از توجه زیاد به نیازهای جسمی شروع میشود و به تدریج با غلبه بر قوای غیر مادی، فرد را به توهم و تخیل در امور میکشاند و منجر می شود تا آنچه برای زندگی ضروری نیست را ضروری بداند به عنوان نمونه او را در توقعات، پوشش غذا خوردن به افراط یا تفریط میکشاند. در قرآن به چنین ویژگی خطرناکی «اسراف» گفته شده است. آموزشها اگر بر مدار محورهای فوق نباشند به تدریج روحیه اسراف گری که همان روحیه مقایسه های منفی و تکاثرگرایی است را در افراد زنده میکند. آموزش هایی که بر مدار تفکر و تعقل و همراهی علم و عمل باشد توجه به نیازهای واقعی را در فرد سامان داده و فرد را به



دریافت حقایق درباره آنها دعوت میکند و ضمن بروز اطاعت خدا در سامان دهی نیازها منجر به فعال سازی ذکر و توجه به خدا در فرد می‌شود. در این حالت افراد به جای افراط و تفریط در امور به تعادل رو آورده و از زندگی و موهبت های فراوان دنیا بهره های بسیار زیادی میبرند در این صورت است که عطای کوثر الهی شامل حال آنها نیز می شود و آنها را رسانای رحمت خود میکند.^{۱۴}

نتیجه گیری

گاهی وقتها باید اهل خرد و عقل یک جامعه باید نسبت به سبک و شیوه زندگی و علوم و فنون رایج و آموزشهایی که در جامعه مرسوم شده است با نگاه تأمل برخورد کنند و ببینند چه شده است که جامعه به چنین انتخابها تصمیم ها و تعلیم هایی روی آورده است؟ آیا این بهترین شیوه زندگی است یا بهتر از آن هم وجود دارد؟ طبق چه فرایندی باید آنچه بهتر است را در جامعه مطرح یا جایگزین کرد؟

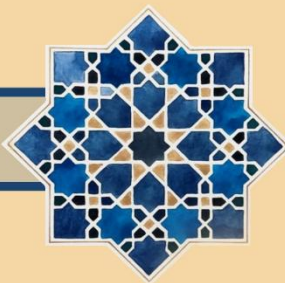
تک تک افراد جامعه تحت چه آموزشهایی هستند؟ آیا این آموزشها سرنوشت آنها را ختم به کند یا آنها را در شرهای مختلف قرار میدهد؟ آیا آنان خود نسبت به آموزش هایی که میبینند مطلع هستند؟ و آن آموزشها را از روی اختیار قبول کرده اند؟

افراد جامعه نوعا خود را در معرض چه آموزشهای مستقیمی قرار میدهند و از چه آموزش هایی دوری میکنند؟ علت این قرب و بعد چیست؟ همچنین ایشان به مطالعه چه

کتاب هایی رغبت دارند و آیا برای مطالعه وقت میگذارند؟

دلیل علم گریزی در برخی از افراد جامعه چیست؟

در قرآن کریم خداوند فرموده است : **وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ** غفلت از خود و آگاهی نداشتن از خود انسان را به بیگانه بودن از خدا می‌کشاند. یکی از وظایف مربیان و معلمان، آگاهی دادن به دانش آموزان در زمینه خودشناسی است. در واقع مدارس به عنوان یکی از نهادهای تربیتی، نقش مهمی در شکل گیری شخصیت و جهان بینی دانش آموزان دارند. به عبارت دیگر مدارس می‌توانند با آموزش خودشناسی، تقویت اعتماد به خدا، پرهیز از غرور و خودبینی، و ایجاد تعادل بین علم و معنویت، دانش آموزان را به سمت زندگی متواضعانه، مسئولانه و خدایپسندانه هدایت کنند. این رویکرد نه



تنها به رشد فردی آنها کمک می کند، بلکه جامعه را نیز به سمت تعالی و اخلاق سوق میدهد.

چه خوب است اهل خرد جامعه از خداوند در ایجاد تحول از خداوند بیشتر طلب استمداد کنند، زیرا هر چند ممکن است خودشان ندانند ولی خداوند آنان را به دلیل برخورداری از علم و خرد، نسبت به سرنوشتی که جامعه برای خود انتخاب کرده است مؤاخذه می آنچه از وضعیت تعلیم و تعلم در جامعه امروزی قابل مشاهده است و باید مورد توجه اهل خرد جامعه قرار گیرد وضعیتی است که بیشتر متأثر از فضاهای رسانه ای دنیاپرست و فلسفه تعلیم و تربیت غیر الهی است که زندگی انسانها را از کودکی تا بزرگسالی به سمت بی قصدی و دستیابی به رفاه های توخالی پیش می برد این خطر بزرگ منجر شده تا انسانها از کودکی تا بزرگسالی به اعمال متعدد بی هدف و پوچ دست بزنند و زندگی خود را طبق آزمون و خطا جلو ببرند و شانس و تصادف را برای دستیابی به مصلحت خویش انتخاب کنند. رشته های علمی که هر یک میتواند به نیازهای واقعی انسان رسیدگی کند بر اساس توان های غیر درونی انتخاب شده و در نهایت نوعاً افرادی که در این رشته ها به تخصصی دست می یابند فاقد هر گونه خلاقیت و هنرنمایی هستند زیرا استعداد واقعی آنها در کار دیگری بوده و آنها قدرت تشخیص آن را نداشته اند. حرف و سخن در نظام تعلیم و تربیت بسیار زیاد است ولی باید از جایی شروع کرد، یکی از موقعیت ها آموزش به کودکان است که اگر طبق ضوابط الهی انجام شود نتیجه آن در زمان اندکی خود را نشان میدهد و همین افراد اهل خرد جامعه میشوند که باید قیام کنند وضعیت کلی آن جامعه را متحول سازند.^{۱۵}



پانویشت:

۱. الموسوی الخمينی، سید روح الله، صحیفه، ج ۱۴، ص ۳۲، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.
۲. عمان، ۱۵۳.
۳. همان، ج ۱۳، ۵۰۸.
۴. الشیخ الكلینی، الکافی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۱۰، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۵. اخوت، احمد رضا، ۱۴۰۱، مراحل طراحی فعالیت های آموزشی، ص ۱۱، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت، تهران.
۶. کشاورز، سوسن، ۱۳۸۲، مبانی و اصول تربیت از دیدگاه امام خمینی ره. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۷. بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۳/۰۲/۱۷، farsi.khamenei.ir.
۸. اخوت، احمد رضا، ۱۴۰۱، مراحل طراحی فعالیت های آموزشی، تهران، ص ۱۱، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت ص ۱۱.
۹. جمعی از محققین، ۱۴۲۸ ق، احکام الاطفال، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، ج ۳، ص ۲۶۶.
۱۰. همان، ص ۲۶۴.
۱۱. همان، ص ۳۳۰.
۱۲. الشیخ الطوسی، الخلاف، موسسه النشر الاسلامی، ج ۱، ص ۳۰۵.
۱۳. اخوت، احمد رضا، ۱۴۰۱، مراحل طراحی فعالیت های آموزشی، تهران، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت، ص ۱۱.
۱۴. همان، ص ۲۲.
۱۵. همان، ص ۶۷، ص ۶۷.



تربیت جنین از منظر اسلام

سمانه شهبازی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف جمع‌آوری و بررسی روش‌ها و نکات تربیتی که زنان با عنوان مادر باید در دوران قبل و حین بارداری رعایت کرده و مدنظر داشته باشند، از منظر قرآن و روایات تنظیم شده است. این مقاله با روش پژوهش اسنادی- کتابخانه‌ای انجام شده و به شیوه توصیفی-تحلیلی می‌باشد و جامعه تحقیق نیز بررسی روایات ائمه اطهار می‌باشد. با مطالعات به عمل آمده درمی‌یابیم که تربیت یک فرد از دوران قبل از بارداری و انعقاد نطفه شروع می‌شود و بسیار حائز اهمیت می‌باشد و نیازمند آن است که والدین، نکاتی را اعم از انتخاب همسر، لقمه حلال و موارد دیگر رعایت کنند. علاوه بر آن، پس از بارداری و انعقاد نطفه نکات بیشتری را باید مدنظر داشته باشند که به بدو تولد منتقل شده و در ادامه حیات کودک میسر میشود که خود دارای نکات بسیار زیادی است که پژوهش مستقل دیگری را می‌طلبد.

واژگان کلیدی: تربیت جنین، تربیت قبل بارداری، تربیت حین بارداری، ادوار تربیت.

۱- مقدمه و بیان مسئله

تربیت از نگاه دین، یعنی ایجاد تحولی عظیم در موجود زنده‌ای که قابلیت‌ها و استعدادهای متفاوتی دارد. تعلیم و تربیت دینی آن است که آدمی در مسیر مستقیم پروردگار قرار گیرد و به مرحله کمال انسانی راه یابد. تربیت فرزندان از وظایف اولیه پدر و مادر بوده و از جمله حقوق فرزندان شمرده می‌شود. مادر مسئولیتهای پرورشی مهمی بر عهده دارد که مرد تا این حد بر عهده ندارد. قرآن کریم به نقش مادر در تعلیم و تربیت

دانشجو کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده هدی وابسته به جامعه الزهراء، ایران، قم، پست

الکترونیکی: samanehshahbazi715@gmail.com



اهمیت بسزایی قائل شده است. خودسازی و تقوی برای مادر بسیار ضروری است. او علاوه بر مسئولیت شخصی، وظیفه سازندگی نسل آینده را نیز برعهده دارد. محیط رحم و خصوصیات ژنتیکی و روانی پدر و مادر در سلامت روانی و جسمانی کودک مؤثر است. یکی از مسائل بسیار مهمی که در سرنوشت کودک مؤثر است تغذیه مادر قبل و بعد از انعقاد نطفه است. غذای حرام روی جنین اثر بسیار بدی می گذارد.

تعلیم و تربیت دینی می تواند انسان را در راه رسیدن به کمال یاری نماید. در نهایت به این نتیجه رسیده که مادر نقش بی بدیلی در تربیت فرزند از دوران بارداری دارد، لکن این بدان معنا نیست که سعادت و شقاوت هر انسان در گرو عملکرد مادر در دوران بارداری است بلکه زمینه هدایت و شقاوت افراد بعد از تولد آنها هم با توجه به اختیار آنان رقم خواهد خورد.

در منابع اسلامی رهنمودهای گسترده‌ای از سوی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در باب اصول و مبانی تربیت کودکان در ابعاد مختلف جسمانی و روحانی بیان شده است. در خصوص مراحل تربیت و ویژگی‌های هر یک، از ازدواج و آداب آن و توصیه‌های دوران بارداری و شیرخوارگی گرفته تا محبت و عدالت‌ورزی نسبت به کودکان و رعایت موازین دیگر پرورشی که هر یک فصلی از تربیت اسلامی را تشکیل می‌دهند، روایات بسیاری از وجود شریف نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است. (abhar.kowsarblog.ir)

۲- مفاهیم

پیش از ورود به بحث نیاز است که به مفهوم واژه تربیت بپردازیم.

۲-۱- تربیت

واژه تربیت، مصدر باب تفعیل از ماده «ربی یربو» به معنای رشد بوده و در کتب لغت به معنای رشد دادن استعمال شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۰۱) و در اصطلاح فراهم آوردن زمینه برای پرورش استعدادهای درونی هر موجود و به ظهور و فعلیت رسانیدن امکانات بالقوه موجود در درون او را تربیت گفته‌اند. (رحیمیان، ۱۳۸۵، ص ۶)



۳- تحلیل محتوا

۳-۱- ادوار تربیت کودک از نظر پیامبر

از نظر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دوره تربیت کودک به دو دوره پیش از تولد و پس از تولد تقسیم می شود. دوره پیش از تولد که دربردارنده دوره های انتخاب همسر و آداب زناشویی و مراقبت های ایام بارداری می شود، مقدمه و زمینه ساز و اساس تربیت کودک در بعد تولد است. از این رو مورد تاکید و توصیه فراوان آن حضرت قرار گرفته، مسلمانان و علی الخصوص جوانان به این امر بسیار مورد سفارش قرار گرفته اند.

۱-۱-۳- قبل از تولد

تربیت یکی از مقاصد وجودی انسان است که یکی از اهداف خلقت انسان تربیت خود در راه رسیدن به کمال و عشق الهی است. اسلام تمام ابعاد و تمایلات روحی و جسمی انسان و نیز عوامل مادی و معنوی موثر بر وجود او را مورد توجه قرار داده است و متناسب با آن مقررات ویژه ای را وضع نموده است. یکی از مهمترین عواملی که در تشکیل شخصیت فرد نقش دارد توجه به نخستین مرحله رشد است یعنی زمانی که نطفه در حال شکل گرفتن است، و اسلام دستورات خاصی را در این زمینه بیان نموده است.

تربیت فرزندان از قبل تولد باید مورد توجه قرار گیرد از دوران انتخاب همسر و دوران بارداری باید به نکات تربیتی آینده فرزند توجه کرد. اولین دوره تربیت در زمان قبل از تولد مربوط به مسئله انتخاب همسر است. زیرا یکی از تاثیر گذار ترین عوامل در تربیت آینده فرد محسوب میشود. در محبت عوامل موثر در تربیت از نظر اسلام به بحث انتخاب همسر و تاثیرات آن بر وراثت که از طریق ژنهایی که افراد به اشتراک می گذارند صحبت کردیم، در این قسمت به بررسی شرایط قبل از بارداری و توصیه هایی که در این زمینه از بزرگان دین رسیده است، می پردازیم.

امروزه از لحاظ علمی نقش پدر و مادر در انتقال صفات ظاهری و باطنی که از آن به عنوان «عامل وراثت» در تربیت کودک نام می برند، بر کسی پوشیده نیست. از آنجا که فرزندی که در وجود مادر شکل می گیرد از صفات ظاهری و معنوی پدر و مادرش بهره می برد و پدران و به خصوص مادران اصل و ریشه کودکان به شمار می آید. انتخاب همسرانی مناسب و شایسته می تواند گامی اساسی در تربیت فرزندان صالح و سالم در آینده به حساب آید از این رو پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ضمن تشویق جوانان به ازدواج، به آنها توصیه



می‌کنند که در انتخاب همسر بیشتر دقت کنند تا فرزندان صالِح و شایسته به ثمر برسند.

در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده که فرمودند: «بنگر که فرزندان را در کدام رحم قرار می‌دهی؛ چرا که [اصل و] ریشه تاثیرگذار است (متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۱۶، ص ۲۹۶) و در حدیثی دیگر از ایشان آمده: «برای نطفه‌های خود بهترین رحم‌ها را برگزینید؛ چرا که زنان فرزندان همانند برادران و خواهران خود به دنیا می‌آورند.» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۵۹) ایشان جوانان را از ازدواج در خانواده‌های پست نهی کردند و فرمودند: «ایاک و خضرء الدمن قیل: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و ما خضرء الدمن؟ قال: المرءء الحسناء فی منبت السوء؛ بر حذر باشید از آن گلی که در مزبله روئیده گفتند: یا رسول الله گلی که در مزبله روئیده چه گلی است؟ فرمود: زن با جمال که در خانواده‌ای پست بزرگ شده است.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۳۲)

۲-۱-۳- غذای حلال

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) لقمه حلال را نیز از عوامل بسیار مهم در شکل‌گیری شخصیت آینده کودک برشمرده‌اند، گرچه رعایت حلال و حرام الهی در تمام ادوار زندگی فرد لازم است؛ اما توجه به حلال و حرام در قبل و بعد از ایام بارداری از اهمیت بسیار بیشتری در شکل‌پذیری شخصیت آینده کودکان برخوردار بوده از این رو مورد تاکید بیشتری قرار گرفته است.

اولین مسئله مورد توجه رعایت تقوا و ترک محرمات توسط پدر و مادر و پرهیز از غذای حرام در زمان به وجود آمدن نطفه و شکل‌گیری سلول‌ها، و در زمان قرار گرفتن این سلول در رحم و مراقبت‌های غذایی آن دوران می‌باشد. تغذیه حرام اگر در تشکیل نطفه و رشد جنین وجود داشته باشد تاثیرات غیر قابل انکاری بعد از تولد بر کودک از لحاظ رفتاری و شخصیتی دارد.

هر فرد از ترکیب دو سلول نر و ماده به وجود می‌آید و رشد می‌کند و هر سلول زنده جزء زنده بدن هر فرد است که می‌تواند جدا شود و مستقل زندگی کند، این سلول تحت رفتار و اعمال فرد به وجود می‌آید و اگر نطفه‌ای از ترکیب سلولی ایجاد شود که از مواد اولیه حرام به وجود آمده باشد اثرات زیانباری در آینده بر رشد و رفتار و شخصیت فرد خواهد گذاشت.



در خصوص تاثیرات لقمه حرام نیز روایاتی وجود دارد که به موارد ذیل اشاره می شود.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: (مَا كَانَ مِنْ مَالٍ الْحَرَامِ فَهُوَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ) آن نطفه ای که از مال حرام به وجود آید شیطان در آن شریک است.

یا در روایتی دیگر می فرمایند: (كَسْبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذَّرِيَّةِ) اثر مالی که از راه حرام بدست آمده در نسل آشکار می شود.

امیر المومنین علی بن ابی طالب (ع) می فرمایند: (يَا كَمِيلُ إِنَّ اللِّسَانَ يَبُوحُ مِنَ الْقَلْبِ وَالْقَلْبُ يَقُومُ مِنَ الْغِذَاءِ فَأَنْظُرْ فِيمَا تَغْذِي قَلْبَكَ وَجِسْمَكَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ حَلَالٍ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَى تَسْبِيحَكَ وَلَا شُكْرَكَ). ای کمیل همانا زبان از قلب نشأت می گیرد و آنچه را در قلب است ظاهر می سازد و قوام قلب به غذاست، پس متوجه باش که قلب و جسم از چه تغذیه می کنند، اگر از حلال نباشد حق تعالی شکر و سپاست را نمی پذیرد.

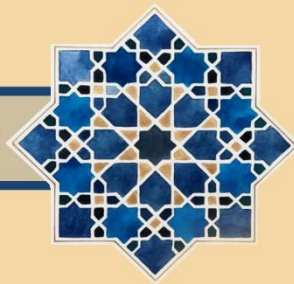
تجربه و استفتاء ثابت نموده است، که افرادی که از مال حرام پرهیز نمی کنند و از راه های غیر مشروع ارتزاق می کنند، نسلی نابهنجار و بی بند و بار تحویل جامعه می دهند.

۳-۱-۳- رعایت آداب زناشویی

همچنین رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر نقش رعایت آداب زناشویی به عنوان عوامل مؤثر در سلامت روحی و جسمی کودکان و عاملی در تربیت پذیری آنها در آینده اشاره کرده اند و بر لزوم رعایت آن تاکید می ورزیدند. ایشان به نقش حالت ها و زمان ها در بسته شدن نطفه ها اشاره کرده زوج ها را به رعایت آن توصیه می فرمودند. منابع روایی معتبر شیعه و سنی روایات بسیاری را در این باب از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرده اند.

۳-۱-۴- مراقبت های ایام بارداری

دوران حمل از سرنوشت سازترین و حساس ترین دوران زندگی کودک است؛ در این دوره شالوده ی سعادت و شقاوت شخص در شکم مادر پی ریخته می شود، چنانچه در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده که «السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ؛ فرد خوشبخت در شکم مادرش خوشبخت



شده و بدبخت در شکم مادرش بدبخت شده است». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۸۱؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۰۲) از این رو والدین بخصوص مادران، به توجه و مراقبت بیشتر در این دوره و دوری از گناهان توصیه شده‌اند.

۵-۱-۳- اهمیت تغذیه

با توجه به اهمیت تغذیه در این دوره، حضرت سفارشات را به مادران جوان کرده، دادن غذاهایی مثل کندر و به و خرما و... را در شکل‌گیری برخی خلقیات و روحیات و برآمدن برخی صفات شایسته در کودک مؤثر بیان کردند و به آن توصیه می‌فرمودند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۲۲ و ۲۳؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۴۴۰؛ راوندی، ۱۴۰۷، ص ۱۵۱؛ محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۳۵)

۶-۱-۳- تأثیر عامل وراثت

امروزه در علوم تجربی بر این باورند که کوچک‌ترین واحد زنده در بدن هر موجودی، «سلول» نام دارد. در هر سلول، قطعات کوچکی به نام «کروموزوم» هست، که روی آن ذرات بسیار کوچکی به نام «ژن» وجود دارد؛ این ژن‌ها عامل وراثت اوصاف مختلف والدین به فرزندان می‌باشند. گاه برخی صفات در ژن‌ها مخفی می‌ماند و بعد از گذشت چند نسل خود را بروز می‌دهد و از طرف دیگر، مضمون احادیث مربوط چنین می‌رساند که علاوه بر صفات طبیعی و ظاهری مثل رنگ پوست و چهره، فرم استخوان‌بندی و سایر صفات جسمانی، بیماری‌ها، هوش و حافظه، موارد دیگر مثل سجایای اخلاقی والدین نیز، به فرزندان منتقل می‌شود. در خصوص میزان تأثیر عامل وراثت در تربیت اختلاف است، اما در مجموع، تأثیر آن غیر قابل انکار می‌باشد. با این سخن، لزوم انتخاب همسر شایسته و مناسب، جهت تربیت فرزندان صالح، به خوبی مشخص می‌شود. امام علی علیه السلام با آگاهی بر این مهم، در انتخاب همسر، بسیار دقیق بود؛ حتی در انتخاب کارگزار نیز آن را مدّ نظر می‌گرفتند؛ زیرا ایمان و تقوای مادر، خیرخواهی، پاکدامنی، خوش‌بینی، شجاعت و دیگر سجایای اخلاقی‌اش، در آینده اخلاقی - اجتماعی فرزند اثر دارد. ایشان در این باره به مالک اشتر نوشته‌اند: «کارگزاران دولتی را از میان مردم با تجربه و با حیا، از خاندان‌های پاکیزه و باتقوا، که در مسلمانان سابقه درخشانی دارند انتخاب کن، زیرا اخلاق آنان گرامی‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر و طمع‌ورزی‌شان کمتر و آینده‌نگری آنان بیشتر است.» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۷۹) از این سخن امام می‌توان برداشت کرد، کودک زمینه‌های لازم برای یادگیری



خصائص اخلاقی را از والدین به ارث می‌برد.

قرآن در این باره تشبیه زیبایی دارد: «وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا... » (اعراف / ۵۸) و از زمین پاک، گیاهش به اذن پروردگارش بیرون می‌آید و زمینی که ناپاک است، جز گیاهی اندک و بی‌سود از آن بیرون نمی‌آید. خداوند حکیم با آوردن تشبیه فوق می‌خواهد مطلب معقولی را برای ما نزدیک به فهم کند؛ لذا می‌فرماید: زمین آباد، خوب حاصل می‌دهد؛ اما زمین شوره‌زار، حاصل نمی‌دهد. یعنی از دل پاک، خیر سرچشمه می‌گیرد و در دل ناپاک هیچ خیری نیست. شاید معنای دیگرش این باشد که اولادی که به پدر و مادر با فضیلت تعلق دارد، آن‌ها نیز با تقوا و بافضیلتند و اولاد والدین بی‌عفت، بی‌تقوا هستند. (www.rasekhoon.Net)

براساس «تربیت جهشی»، برخی عوامل در فرایند تربیت، سرعت حرکت انسانی را به سمت کمال بسیار و سریع‌تر می‌کند؛ از جمله آن، عوامل وراثتی است که برای بروز تربیت جهشی، نقش زیربنایی دارند؛ یعنی بعضی از صفات و خصوصیات که در انسان مشاهده می‌شود، در سلول‌های نطفه‌ای والدین فراهم بوده و از این طریق به فرزندان‌شان انتقال می‌یابد. حال اگر منظور از تحول در تربیت جهشی، تکامل معنوی باشد پس، پدر و مادر ناپاک، زمینه تکامل معنوی را در فرزند خود ایجاد نخواهد کرد (کشانی و نوروزی، ۱۳۸۸، ص ۴۱۲-۴۰۷)؛ لذا امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: آن چیزی که میان مردم تفاوت به وجود آورده است، آغاز سرشت و طبیعت آن‌هاست. (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۴۷۱)

۲-۳- دوران بارداری و تربیت جنین

دوران بارداری یکی از دورانهای بسیار پر اهمیت و مهم برای تربیت کودک است. تا جایی که برخی معتقد هستند یک دوران بی‌بدیل و بی‌بازگشت است. جایی نمی‌توانیم همانند آن را در دورانهای تربیتی پیدا کنیم. لذا باید از این فرصت استفاده کنیم، آن را مغتنم بشماریم و به خوبی از آن بهره ببریم. با توجه به اهمیتی که این دوران دارد نکاتی وجود دارد که حائز اهمیت است ما باید به این نکات حتماً توجه کنیم.

بعد از آنکه جنین در رحم مادر شکل می‌گیرد، وظایفی بر عهده مادر قرار می‌گیرد که رعایت آنها در سوق دادن فرد در آینده به سوی مطلوبیت مهم است. سن واقعی هر فرد از زمانی که در رحم مادر است شروع می‌شود و هنگامی که متولد می‌شود نه ماه از وجودش و سنش می‌گذرد و این نه ماه اولیه از مراحل گذر



می کند که در تعیین موجودیت در تمام طول عمر او را همراهی می کند و تشکیل دهنده من واقعی هر فرد است که در طول زندگی هر فرد از شکل اولیه خارج نمی شود. مادر باید به این نکته توجه کند که موجود زنده ای را در خود پرورش می دهد که بر آن تاثیر گذار است. حوادث و واقع هایی که برای مادر رخ می دهد بر محیط جنین اثرگذار است و جنین در این مرحله حساس تر از خود مادر می باشد.

بسیاری از مشکلاتی که برای جنین رخ می دهد در اثر تغییرات حالات مادران و تاثیرات متقابل آن بر محیطی که جنین در آن قرار دارد می باشد.

عوامل محیطی علت بسیاری از زایمانهای ناقص و فلج کودکان به شمار می آید. یک مادر باید بداند که موجود زنده ای را با حمل می کند که در رشد و نمو او موثر است و با تمام وجود وابسته به اوست. جنین از مادر تغذیه می کند و از اکسیژن و غذایی که برای او فراهم می کند و در نتیجه امنیتی که ایجاد می کند، بهره می گیرد. جنین از طریق جفت با مادر در ارتباط است بنابراین نوع غذایی که می خورد بر آن اثر می گذارد. با توجه به فرمایش حضرت علی (ع) در جواب سلمان که فرمود: غذای کودک در شکم مادر از چه راهی تامین می شود؟ ایشان فرمودند که خدای تبارک و تعالی خون حیض زن باردار را نگه می دارد تا با آن غذای جنین تامین شود.

اسلام تاکید زیادی بر نوع غذای که در دوره بارداری مصرف می شود کرده است، و توصیه شده است که برنامه غذایی حساب شده ای مادران داشته باشند.

پیامبر اکرم فرمودند: «به» بخورید و به دوستان خود هدیه دهید، زیرا نور چشم را زیاد می کند و قلبها را مهربان می گرداند. به زنان آبستن «به» بخورانید تا فرزندان شان زیبا شوند (یا تا اخلاق خوب پیدا کنند). (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۱۹۶)

از حضرت علی (ع) می فرمایند: (به زنان آبستن کندر بخورانید، زیرا بچه ای که به وسیله کندر تغذیه شود تیز هوش می شود، در صورت پسر بودن شجاع می شود، و اگر دختر باشد فربه می شود و نزد شوهرش مقبولیت پیدا می کند).



امام صادق (ع) فرمودند: (غذا و مِمَّا تَاكُلُ أُمُّهُ ، وَ يَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُ ، تنسمه تنسیما) غذای جنین از آنچه مادر می خورد و می آشامد تامین می شود، و آهسته آهسته از وجود مادر می گیرد.)

از حضرت علی (ع) داریم: (مَا تَاكُلُ الْحَامِلُ مِنْ شَيْءٍ وَلَا تَتَدَاوَى بِافْضَلِ مِنَ الرَّطْبِ)). یعنی زن آبستن چیزی نمی خورد و به چیزی معالجه نمی کند که بهتر از رطب باشد. (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۶۱۹)

یا رسول اکرم می فرمایید: (مَا مِنْ امْرَأَةٍ حَامِلَةٍ أَكَلَتِ الْبَطِيخَ لَا يَكُونُ مَوْلُودُهَا إِلَّا حَسَنَ الْوَجْهِ وَالْخُلُقِ) هر زن آبستی خربزه بخورد بچه اش زیبا می شود. (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۶۳۵)

پیامبر اکرم (ص) میفرماید: (به زن آبستن در آخرین ماهای بارداری خرما بخورانید تا فرزندش بردبار و پاکیزه باشد). (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۱۹۲)

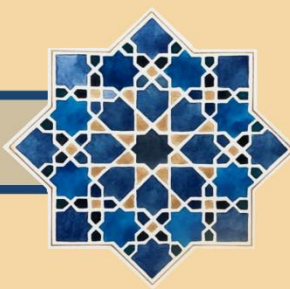
غذایی که جنین از طریق بند ناف از مادر می گیرد علاوه بر اینکه بر سلامت او موثر است در اخلاق خوب و بد او هم موثر است و با مقدار هوش و حافظه او ارتباط مستقیم دارد. زیرا تمام بدن جنین از جمله اعصاب و مغز او تحت تاثیر غذای مادر است.

با توجه به احادیث و روایات ذکر شده دو نکته مهم به چشم می خورد؛ یکی اهمیت و حساسیتی که زمان بارداری دارد و دوم تاثیری که غذای مادر بر هوش، سلامت، رفتار و استعداد جنین دارد. باید والدین بخصوص مادر که تاثیر گذارتر است نسب به رعایت این مسائل مراقبت های بیشتری را از رفتار و کردار خود داشته باشد تا فرزند آینده برخوردار از تمام شرایط مطلوب برای رسیدن به کمال متعالی برخوردار باشد.

(sabkezendegi.mahdportal.ir)

۱-۲-۳- ارتقای سطح مهارت ها

یکی از نکات تربیتی در دوران بارداری که می تواند فرصت مناسب و مغتنمی باشد این است که سطح مهارت های تربیتی خود را با مطالعه، با مشورت در این زمان بالا برود. چون می دانید وقتی بچه ها متولد می شوند، خصوصاً در سال های اول، پر کار هستند. ممکن است گاهی اوقات فرصت دست ندهد که کار مطالعاتی انجام داد، مشورت گرفته شود یا کلاس رفت. لذا باید در دوران بارداری این فرصت را مغتنم شمرد. اگر احیاناً می بینید تبحر لازم، توانمندی لازم را برای دوران بعد از بارداری و تربیت فرزندان ندارید، این



فرصت در ماه‌های اوّل بارداری می‌تواند فرصت مغتنمی باشد؛ و به نکات تربیتی در دوران بارداری توجه کنید.

۲-۲-۳- استفاده از دستورالعمل‌های بزرگان دینی

نکته دومی که باید به آن اشاره شود این است که برخی از بزرگان دینی ما دستورالعمل‌های خاصی را برای ماه‌های مختلف بارداری برشمرده‌اند. مثلاً در ماه اول چه سوره‌هایی از قرآن خوانده شود، چه اذکاری گفته شود، چه مراقبت‌هایی انجام شود که در کتاب «ریحانه بهشتی» بیان شده است.

البته در مرکز نرم‌افزار حوزه علمیه اصفهان هم یک نرم‌افزاری را آماده کرده‌اند، که زمان بارداری خود را به آن نرم‌افزار داده، تمام کارهایی که شما باید در ماه‌های مختلف، هفته‌های مختلف بارداری انجام داد، ارائه می‌دهد. مثل یک مشاور امینی که به شما توصیه‌های لازم را در هر ماه - و گاهی برخی از ماه‌ها، هفته‌هایی که در آن وجود دارد و مهم هستند - خواهد داشت.

۳-۲-۳- پرهیز از لقمه شبه‌ناک

نکته سومی که باید برای رعایت نکات تربیتی در دوران بارداری به آن توجه داشت، این است که چه لقمه‌هایی خورده می‌شود.

۴-۲-۳- دقت در انتخاب همنشین

نکته چهارمی که باید به عنوان یک نکته مهم توجه داشت، این است که با چه کسانی نشست و برخاست می‌شود. باید دقت کرد که آیا این افرادی که با آن‌ها نشست و برخاست می‌کنیم چه تأثیرات مثبتی می‌گذارند و چه تصورات اعتقادی را اصلاح می‌کنند و به چه تصورات اعتقادی خدشه وارد می‌کنند. در نشست و برخاست‌ها هم باید دقت جدی داشت.

۵-۲-۳- همراه کردن همسر در مسائل معنوی

نکته پنجمی که باید در دوره بارداری به آن توجه داشت، در مسائلی مثل مسائل معنوی، همراهی همسران را هم باید داشت. چون یکی از نکاتی که خیلی از خانواده‌ها مطرح می‌کنند، می‌گویند یک فاصله‌گذاری تربیتی



و اعتقادی و دینی با همسران خود بعد از تولد فرزند داریم. علت عمده آن این است که در دوران بارداری، دقت‌های لازم را برای همراه کردن همسر خود ندارند. چون صرفاً فکر می‌کنند که مادر فقط این فرزند را حمل می‌کند. اگر در زمان بارداری مستقلاً عمل شود و کاری به کار همسر خود نداشتن، قطعاً با گذشت زمان، این فاصله بیشتر شده و ارتباط بین افراد (چه ارتباط رفتاری، چه ارتباط فکری) کمتر خواهد شد.

۳-۲-۶- پالایش عادت‌ها

نکته ششمی که باید به عنوان نکته مهم در دوره بارداری به آن توجه داشت، طراحی یک برنامه منظم است. برخی از عادت‌ها عادت‌های غلطی هستند که در زندگی ما شکل می‌گیرند. مثلاً دیر خوابیدن، صبحانه نخوردن، زیاد تلویزیون تماشا کردن، زیاد با موبایل کار کردن. این‌ها عادت‌های بدی است که ممکن است بعد از فرزند آوری، روی فرزند هم اثر بگذارد که شایسته است عادت‌های ناشایست یا ناپسند در سبک زندگی خود را اصلاح کرد.

۳-۲-۷- طلب حلالیت

یکی دیگر از نکاتی که در دوران بارداری فرصت مغتنمی است و جزء مراقبات است و باید به آن توجه کرد، این است که دقت شود اگر نسبت به کسانی مشکلاتی یا دلخوری‌هایی وجود دارد، از آن‌ها حلالیت طلبیده شود. از توصیه‌های وجود مبارک امیر المؤمنین، علی (ع) در خطبه سی و یکم، به وجود مبارک امام حسن مجتبی (ع) آمده است: باید دل مردم را به دست آورد، باید با مردم مدارا کرد. اگر مشکلی با مردم داریم باید برویم از مشکلات گره‌گشایی کنیم، مشکلات را حل کنیم. خود این موضوع باعث رشد می‌شود و این دوران فرصت خوبی است برای این‌که ما به این موضوع با جدیت پرداخته شود.

۳-۲-۸- لزوم ارتباط مادر و فرزند

نکته دیگری که در زمان بارداری باید به آن توجه شود، آن دقت و ارتباطی است که مادر باید با فرزند در این دوره داشته باشد. بدین بیان که گاهی اوقات مادر باید فرزند خود را مورد خطاب قرار بدهد، در همین دوران بارداری با او ارتباط بگیرد. صحبت‌های زیبایی با او داشته باشد.

شخصی می‌گوید من در منزل وجود مبارک حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا (س) وارد شدم. این خانم



می‌گوید: من دیدم حضرت زهرا (س) دارند سخن می‌گویند، صحبت می‌کنند. پرسیدم: خانم، این‌جا که کسی نیست. حضرت فرمودند: دارم با فرزند درون رحم خود صحبت می‌کنم. (کمونۀ حسینی و نهاوندی، بی‌تا، ص ۲۳۴-۲۳۳)

امروز علم هم همین را ثابت کرده که با فرزندان می‌شود در دوران بارداری ارتباط برقرار کرد. می‌گویند خصوصاً وقتی فرزندان از ماه ششم بارداری عبور می‌کنند، شما با فرزند خود صحبت می‌کنید کلمات شما را می‌شنود. تعبیر کارشناسی که این موضوع را مطرح می‌کند این‌گونه است: مثل این است که ما یک طرف یک دیوار چوبی ایستاده باشیم، یک فرد دیگر هم در طرف دیگر این دیوار چوبی ایستاده باشد، ما با او صحبت کنیم. چطور صحبت‌های ما را می‌شنود؟ فرزندان هم همین‌گونه صحبت‌های پدر و مادر را از بیرون رحم می‌شنوند و اثر هم می‌پذیرند.

لذا این موارد در ضمیر ناخودآگاه آن‌ها ورود پیدا می‌کند. معصوم در روایتی فرمودند: برای فرزندان خود در زمانی که باردار هستید نام‌گذاری کنید. در قدیم مثل الآن نبود که جنسیت‌ها را با سونوگرافی‌های چند بعدی بتوانند تشخیص بدهند. از حضرت سؤال کردند: ما نمی‌دانیم این فرزند که درون رحم است دختر است یا پسر است. حضرت فرمودند: نام پسر و نام دختری را انتخاب کنید. (حمیری، ۱۳۷۱، ص ۱۶۰) گاهی اوقات به نام دختر او را خطاب کنید، گاهی اوقات به نام پسر خطاب کنید. این خطاب را داشته باشید، برای آن فرزند هویت ایجاد کنیم. لذا این‌ها دستورات دینی است، اثرات تربیتی هم می‌تواند داشته باشد.

۴- نتیجه گیری

بر اساس یافته‌ها و مطالعات رفتارها و عادت‌ها قبل از نطفه تأثیرگذار خواهد بود. کودک تربیتش از قبل از بارداری آغاز و تا بدو تولد در این دنیا ادامه پیدا می‌کند. به عنوان یک وارد نیاز هست قبل از ازدواج به فردی که برای ازدواج برمیگزینیم انتخاب و دقت بیشتری داشته باشیم چرا که در تربیت فرزند در آینده تأثیر گذار خواهد بود. همچنین از قبل از بارداری نیاز هست به تغذیه، عادات و رفتارها دقت کرد و مواردی که نیاز به اصلاح دارد را اصلاح و عادت‌های خوب را جایگزین نمود. همچنین ارتباط با خدا و معنویت بایستی بیشتر شود.



همچنین در دوران بارداری والدین باید توجه داشته باشند که تمامی اعمال و رفتار آنها بر جنین موثر خواهد بود؛ لذا والدین علاوه بر مراقبت نیازمند این هستند که مهارت های خود را در جهت تربیت فرزند افزایش و ارتقا دهند.

کتاب نامه

قران کریم

- ۱- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، ۱۴۰۵، عوالی اللئالی، قم، انتشارات سید الشهداء (علیه السلام).
- ۲- حمیری، عبدالله بن جعفر، ۱۳۷۱، قرب الإسناد، قم، موسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث
- ۳- راوندی، قطب الدین، الدعوات، ص ۱۵۱، قم، مدرسه امام مهدی (عجل الله فرجه الشریف)، ۱۴۰۷.
- ۴- شریف رضی، ۱۳۷۹، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.
- ۵- صدوق، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۰۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۶- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ص ۴۵۳، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲.
- ۷- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۶۵، التهذیب، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۸- کشانی، مهدیه و نوروزی، رضا علی، ۱۳۸۸، تربیت جهشی، رویکردی نوین در تربیت دینی، همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر.
- ۹- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۶، ص ۲۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
- ۱۰- کمونه حسینی، سید عبدالرزاق؛ نهاوندی، علی اکبر، بی تا، مجموعه مقالات الزهرا (س)، بی جا، بی نا.
- ۱۱- متقی هندی، علی بن حسام، ۱۴۱۹، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ۱۲- محدث نوری، حسین، ۱۴۰۸، مستدرک الوسائل، قم، آل البيت.



- 13- <https://abhar.kowsarblog.ir/>
- 14- www.rasekhoon.net. ۲۰/۹/۹۲
- 15- <http://sabkezendegi.mahdportal.ir>



تربیت اخلاقی کودک و فضای مجازی

مآئده بابایی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف جمع‌آوری و بررسی روش‌ها و نکات تربیتی که والدین باید در تربیت کودک در مقابل چالش‌های اخلاقی و رفتاری رعایت کرده و مدنظر داشته باشند، از منظر اسلام تنظیم شده است. این مقاله با روش پژوهش اسنادی- کتابخانه‌ای انجام شده و به شیوه توصیفی-تحلیلی می‌باشد و جامعه تحقیق نیز بررسی تربیت اخلاقی و رفتاری کودک می‌باشد. با مطالعات به عمل آمده درمی‌یابیم که تربیت اخلاقی یکی از انواع مهم تربیت فرزندان در جوامع بوده که آن‌ها پس از بلوغ مانند همه مردان و زنان بالغ به رعایت چهارچوب‌هایی درباره مسائل اخلاقی، مکلف می‌شوند. انحرافات اخلاقی همیشه در کمین فرزندان بوده است و این مسأله در فضای مجازی شدیدتر می‌شود؛ زیرا در حیطه فضای مجازی عوامل مختلفی همچون، دوستی با افراد ناباب و عدم ارتباط نیکو با فرزندان از سوی والدین و ... می‌تواند باعث ایجاد مشکلات اخلاقی فرزندان شده و آنان را از خطوط قرمز شرعی عبور دهد.

واژگان کلیدی: تربیت اخلاقی، انحرافات اخلاقی، آموزش مسائل اخلاقی، غرایز کودک.

مقدمه و بیان مسئله

در این بخش از تحقیق در صدد هستیم چالش‌های ایجاد شده اخلاقی و رفتاری را که با وجود فضای مجازی در بستر خانواده ایجاد شده است را مورد بررسی قرار دهیم. در ابتدا به مفهوم تربیت به عنوان جزء مشترک در مفهوم چالش‌های تربیتی ذکر شده، می‌پردازیم. تربیت در زبان فارسی به معانی «پروردن، آداب و اخلاق را به کسی یاد دادن، آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن» به کار رفته است. واژه ترکیبی «تعلیم و تربیت» نیز به معنای «آموزش و پرورش» آمده است.^۱ (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۵۷۷۶) غالباً آن را از ریشه ربَّو گرفته و با تعلیم همراه می‌دانند. در تعریف آن گفته شده: «یعنی رویش و متورم شدن همراه با اضافی یا زیاد شدن

دانشجوی رشته فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام پردیس خاوران maydhhb043@gmail.com



و رشد کردن؛ بدین معنا که چیزی ذاتاً بزرگ و متورم شده و نتیجه آن زیادت و تکثر است. تعریف ذکر شده نشان می‌دهد که مفهوم تربیت عام بوده و تمام مراتب حصول نشو و نما و زیادت در هر مرتبه و به هر مقدار و کیفیت مادی یا معنوی را شامل می‌شود.^۱ مصطفوی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۳۵-۳۷) تربیت، در لغت مفهومی عام است که چگونگی نمو و کیفیت مادی و معنوی آن را شامل می‌شود؛ اما در اصطلاح عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن استعدادهای انسانی در جهت رشد و تکامل اختیاری آدمی به سوی اهداف مطلوب بر اساس برنامه‌ای سنجیده. (مصباح یزدی، جلسه اول) تربیت امری ضروری است؛ اما خود نیز اصولی دارد و به هر صورت ممکن نمی‌شود فرد را تربیت کرد؛ زیرا اولاً هر نوع تربیتی زمان خاص خود را می‌طلبد؛ ثانیاً محتمل است به خود تربیت کننده خسارت غیر قابل جبرانی وارد شود و به جای اصلاح دیگران، خود به ورطه فساد و آلودگی بیافتد؛ ثالثاً تربیت باید با میل و رغبت تربیت شونده همراه باشد و با زور و تحمیل نمی‌توان کسی را تربیت کرد. حال اگر والدین با زور و اجبار خواهان اصلاح فرزندان خود باشند ولی آن‌ها علاقه‌ای به اصلاح خود نسبت به آن کار یا رفتار نداشته باشند، این تحمیل والدین باعث می‌شود فرزندان نسبت به آن‌ها و کار ایشان بیزار گردند و تدریجاً از سایر کارهای والدین که قبلاً مورد علاقه ایشان بود، متنفر شده و حتی نسبت به افراد مشابه والدین نیز بیزار شوند. در قرآن کریم، مشتقات تربیت چند بار به کار رفته است؛ از جمله: «وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ» زمین را خشک و بی حاصل می‌بینی؛ پس هنگامی که باران فرو می‌فرستیم، تکانی می‌خورد و رشد و نمو گیاهان در آن آغاز می‌شود» و (حج، آیه ۵) «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا» بگو خدایا والدینم را مورد رحمت خود قرار ده؛ همانطوری که آنان مرا در کودکی مورد لطف و رحمت خویش قرار دادند». (اسراء، آیه ۲۴). بعضی از محققین می‌گویند: «رَبِّ» در جمله «رَبَّيْنِي صَغِيرًا» از ماده رَبَوَ است نه از ماده رَبَّبَ؛ رَبَوَ در معنای «فضل و زیادت» به کار رفته است؛ چون معنای تربیت در نوع مواردی که به کار رفته، عبارت است از: «نمو و زیادت جسمانی و پرورش مادی و تربیت و سوق دادن به کمال و سعادت معنوی»؛ بنابراین واژه تربیت با توجه به ریشه آن به معنای فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است.^۲ نقوی، ۱۳۹۵، ص ۲۰. تربیت به معنای «رشد دادن» است و تعلیم و آموزش به معنای «یاد دادن». در تعریف آموزش گفته‌اند: «تعلیم، عبارت از انتقال علوم و فنون به فراگیر است. به عبارت دیگر، به طور کلی تعلیم شامل انتقال دانسته‌ها می‌باشد؛ بنابراین تعلیم بیشتر بُعد شناختی انسان را در نظر می‌گیرد. آیت الله مصباح یزدی در تبیین فرق آموزش و تربیت می‌گوید: «تعلیم یعنی معلم کاری بکند که متعلم چیزی را یاد بگیرد و این مختص به موجودی است که درک و شعور دارد. مفهوم تربیت اوسع از آموزش است. باغبان هم درخت را تربیت می‌کند؛ یعنی مقدماتی را فراهم می‌کند تا این درخت به رشدی که می‌بایست، برسد. تربیت برای رشد دادن همه استعدادهاست. یکی از استعدادهای



انسان هم استعداد علمی، فکری و عقلی است که می‌شود تعلیم. معلم استعدادی را که متعلم برای رسیدن به مطلبی دارد، به فعلیت می‌رساند. در این جا تغییری در متعلم به وجود آمده و حرکتی ایجاد شده به سوی کمال. این هم تربیت است؛ منتها تربیت نیروی فکری و عقلانی متعلم^(۱). (مصباح یزدی، جلسه اول) تربیت اعم از آموزش است؛ زیرا برای هر تربیتی به آموزش نیازمندیم؛ حال آنکه برای هر آموزش، به تربیت نیازی نیست. در حقیقت آموزش مقدمه تربیت به حساب می‌آید و به جهت تربیت شخص، باید مسائلی را به او آموزش داد.

چالش‌های تربیت اخلاقی و رفتاری

اخلاق و تربیت اخلاقی نقشی بسیار مهم در سلامت روح انسان و سعادت و خوشبختی فرد و جامعه دارند؛ در نتیجه نیازمند توجه بیشتر می‌باشند؛ به ویژه برای ما مسلمانان؛ زیرا به اندازه‌ای که در دین ما به اخلاق و تربیت اخلاقی توجه شده است در سایر ادیان و مکاتب چندان توجه به آن دو نشده است. حال باید برای تربیت اخلاق مدارانه ابتدائاً چالش‌های تربیتی پیش رو را شناخته و در پی ارائه راهکار برای حل آن چالش‌ها باشیم.

۱- تربیت اخلاقی و رفتاری

برای بررسی چالش‌های اخلاقی و رفتاری خانواده در فضای مجازی لازم است تربیت اخلاقی و رفتاری را از حیث مفهوم، مبانی و اصول و روش مورد واکاوی قرار دهیم. تربیت اخلاقی، فرآیند درونی سازی ارزش‌های اخلاقی و شکل‌گیری پایدار شخصیت انسان بر اساس ویژگی‌های انسان کامل بوده و مسیر گذر از وضعیت موجود (مبدا حرکت انسان‌ها) به سوی کمال در جهت حرکت تا نیل به سیمای آرمانی انسان اخلاق مدار است. این تربیت، تحقق عینی همه آموزه‌هایی است که علم اخلاق، انسان را به آن فرا می‌خواند. می‌توان گفت اخلاق، مقصد و غایت حرکت انسان‌ها را تعیین می‌کند. در حالیکه تربیت اخلاقی احکام و قواعد حرکت در این مسیر را بازنمایی می‌کند. اخلاق، پرسش از ماهیت ارزش‌ها و تربیت، پرسش از کیفیت دستیابی به آن‌ها را پاسخ می‌گوید (کیخا، ۱۳۹۹، ص ۲۴۵).

۱-۱- مفهوم تربیت اخلاقی و رفتاری

اخلاق در تعریف لغوی جمع خُلُق است. خُلُق، حالت و کیفیتی باطنی است که با چشم سر و حواس ظاهری



قابل مشاهده نیست؛ در مقابل آن واژه خلق قرار دارد که به معنای حالت و کیفیت محسوس اشیاء است.^۱ طریحی، ۱۴۰۸، ذیل واژه خلق). خُلق، صفت و ویژگی باطنی و معنوی انسان است و اخلاق، صفات و ویژگی‌های باطنی و معنوی او است.^۲ (داودی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۷). تعریف متعددی برای تربیت اخلاقی بیان شده است؛ «تعلیم و تربیت اخلاقی و ارزشی، به آنچه که مدارس و دیگر نهادهای آموزشی برای کمک به افراد جهت تفکر پیرامون مسائل مربوط به درست و نادرست امور و در پی آن تمایل به سمت خوب بودن اجتماعی و نیز کمک به آن‌ها جهت رفتار به روش و منش اخلاقی و ارزشی انجام می‌دهند، اطلاق می‌شود».^۳ (سجادی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۸). بر اساس این تعریف، تربیت اخلاقی و ارزشی، مجموعه اقداماتی است که هدفش یاری کردن افراد در مسیر کسب شناخت‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای اخلاقی و ارزشی است؛ همچنین در تعریف دیگری آمده است: «تربیت اخلاقی اسلامی عبارت است از پرورش کودک بر اساس اصول اخلاقی از راه ایجاد احساس و بصیرت اخلاقی به گونه‌ای که پذیرای خوبی‌ها و طردکننده بدی‌ها باشد».^۴ (یالجن، ۱۴۰۶، ص ۲۹۶ - ۳۰۹). در تعریف دیگری نیز آمده است: «تربیت اخلاقی مجموعه‌ای از اصول و فضائل رفتاری و وجدانی است که باید طفل آن‌ها را بپذیرد و کسب کند و به آن‌ها عادت نماید».^۵ (علوان، بی تا، ص ۱۶۷). در مجموع، می‌توان گفت تربیت اخلاقی، آموزش اصول و ارزش‌های اخلاقی و پرورش گرایش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی است. هدف بنیادین در تربیت اخلاقی، تربیت افرادی است که به طور عمیق با ارزش‌های اخلاقی مطلوب جامعه آشنا هستند، آگاهانه و آزادانه آن‌ها را انتخاب کرده و زندگی خود را بر اساس آن‌ها سامان داده‌اند. در واقع، قلمرو تربیت اخلاقی محدود به ارزش‌های اخلاقی است. از سوی دیگر، ادب آموزی مقدمه و زمینه تربیت اخلاقی است. تربیت اخلاقی و ارزشی، آن چیزی است که نهادهای آموزشی برای کمک به افراد جهت تفکر پیرامون مسائل مربوط به درست و نادرست امور و در پی آن تمایل به سمت خوب بودن اجتماعی و نیز کمک به آن‌ها جهت رفتار به روش و منش اخلاقی و ارزشی انجام می‌دهند.^۶ (همان، ص ۴۰). در تربیت اخلاقی، رویکرد اصلی متوجه پرورش استعدادهای اخلاقی و رسیدن به کمالات اخلاقی است؛ همچنین میان اخلاق و تربیت اخلاقی تفاوت وجود دارد؛ زیرا تربیت اخلاقی، به معنای به کارگیری دانش تربیت برای تَخَلُّق فرد به اخلاق حسنه و مبارزه با اخلاق رذیله است؛ اما اخلاق را که شامل صفات و رفتارها و آداب اخلاقی می‌باشد به نحوی می‌توان موضوع تربیت اخلاقی دانست.^۷ (کاظمی، ۱۳۹۳، ص ۴۹). ابعاد تربیت اخلاقی سه دسته هستند؛ یک بُعد آن مربوط به کارهایی است که انسان در ارتباط با خدا انجام می‌دهد؛ مثل توجه به خدا، امید به خدا و خوف از خدا. بُعد دیگر مربوط به رفتارهایی است که در واقع به خود انسان مربوط می‌شود و بُعد سوم کارهایی را در بر می‌گیرد که انسان در ارتباط با دیگران انجام می‌دهد و روابطی است که با دیگران برقرار می‌کند.^۸ (مصباح یزدی،



۱-۲- هدف تربیت اخلاقی و رفتاری

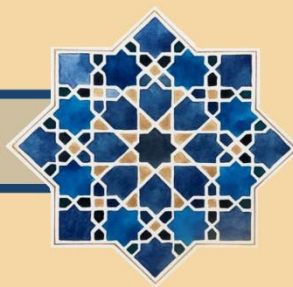
اهداف متعددی برای تربیت اخلاقی می‌توان برشمرد که مهم‌ترین آن‌ها از منظر قرآن کریم؛ شامل کسب منفعت‌ها و دوری از آسیب‌های دنیایی (پیامدگرایی)، نیل به مقام محبوب، نیل به مقام ابرار، نیل به مقام سکونت قلبی و نیل به مقام حریت اخلاقی است. به طور کلی، هدف تربیت اخلاقی امری مرکب است و از دو جزء پرورش فضائل و از میان بردن رذائل و پرورش فهم و تعقل اخلاقی تشکیل شده است.

۱-۲-۱- پرورش فضائل و از میان بردن رذائل (پرورش توانایی پابندی عملی به ارزش‌های اخلاقی)

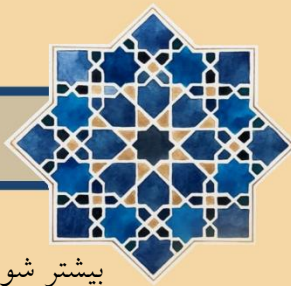
یکی از اجزاء و عناصر هدف تربیت اخلاقی، پرورش فضائل اخلاقی و از میان بردن رذائل اخلاقی است. ائمه اطهار علیهم السلام نیز بر این عناصر تاکید داشته‌اند. به طور مثال؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از اهداف بعثت خود را به کمال رساندن مکارم و بزرگواری‌های اخلاقی می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ مِنْ مَبْعُوثٍ شَدِمَ تَا مَكَارِمِ اخْلَاقِي رَا بَه كَمَالِ رِسَالِمِ»^۱. محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۱۸۷) امیرالمومنین علیه السلام در روایتی می‌فرمایند: «كُنْ مُتَّصِفًا بِالْفَضَائِلِ مُتَّبِرًا مِنَ الرِّذَائِلِ؛ بَه فَضِيلَتِهَا أَرَا سَتَه بَاش وَ از رذیلت‌ها دوری کن»^۲. آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۱۸) روایات دیگری وجود دارد که معصومین علیهم السلام در آن‌ها مردم را به ایجاد عادت‌های خوب فرا خوانده و از عادت‌های زشت بازداشته‌اند. همه این موارد نشان می‌دهد که از نظر آن‌ها، عادت‌های خوب که در حقیقت همان فضائل اخلاقی هستند، مطلوب و عادت‌های زشت که همان رذائل اخلاقی هستند، نامطلوب و ناپسند می‌باشند و به همین سبب، دیگران را به ایجاد عادت‌های پسندیده، ترغیب کرده و از عادت‌های ناپسند بازداشته‌اند.

۱-۲-۲- پرورش فهم و تعقل اخلاقی و رفتاری

جزء و عنصر دوم هدف تربیت اخلاقی، پرورش فهم و تعقل اخلاقی است. در سیره معصومین علیهم السلام فضائل و عادات پسندیده اخلاقی، بدون فهم و شناخت و آگاهی ارزشی ندارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ فَنَوْمُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهَرِ الْجَاهِلِ وَ إِقَامَةُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ شُحُوصِ الْجَاهِلِ وَ لَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا وَ لَا رَسُولًا حَتَّى يَسْتَكْمَلَ الْعَقْلُ وَ يَكُونَ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ جَمِيعِ عُقُولِ أُمَّتِهِ وَ مَا يُضَمِّرُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فِي نَفْسِهِ أَفْضَلُ مِنْ اجْتِهَادِ الْمُجْتَهِدِينَ وَ مَا أَدَّى الْعَبْدُ فَرَائِضَ اللَّهِ حَتَّى عَقَلَ عَنْهُ وَ لَا بَلَغَ جَمِيعُ الْعَابِدِينَ فِي فَضْلِ عِبَادَتِهِمْ مَا بَلَغَ الْعَاقِلُ وَ الْعُقَلَاءُ هُمْ أَوَّلُو الْأَلْبَابِ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ



تَعَالَى: وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ؛ خداوند چیزی برتر از عقل میان بندگان خود قسمت نکرد. خواب عاقل برتر از شب زنده داری جاهل است و ماندن عاقل برتر از حرکت و مسافرت جاهل است. خداوند پیامبر و رسولی مبعوث نکرد مگر پس از آنکه عقل او کامل و برتر از عقل همه امتش گردید. آنچه پیامبر در نظر دارد و هنوز به آن عمل نکرده، برتر از کوشش‌های تمام کوشش‌کنندگان است و بنده تا خدا را درک نکند واجبات الهی را ادا نکرده است و هیچ یک از عبادت‌کنندگان از نظر فضل عبادت به پای عاقلان نمی‌رسند و عاقلان همان خردمندانی هستند که خداوند متعال در قرآن فرمود: «جز اولوالالباب متذکر نمی‌شوند». (امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند: «يَا هِشَامُ إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ: حُجَّةً ظَاهِرَةً وَ حُجَّةً بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأُئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ؛ خداوند را بر مردمان دو حجت است: حجتی بیرونی و حجتی درونی. حجت بیرونی همان فرستادگان و پیامبران و امامان علیهم السلام هستند و حجت درونی همان خردها». (همان، ص ۱۵) امام در ادامه می‌فرمایند: «يَا هِشَامُ، كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَا عَبْدَ اللَّهُ بَشْيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ؛ ای هشام، امیرالمومنین علیه السلام می‌فرمود: خداوند به چیزی برتر از عقل عبادت نشده است». (همان، ص ۱۷) این روایات صراحتاً بیان می‌کنند عقل رکن اساسی دین و دینداری است به طریقی که شرط لازم نبوت، کمال عقل پیامبر و برتری عقل او بر عقل دیگران است و عبادات و اعمال و رفتار عاقل بر عبادات و اعمال جاهل برتری دارد. این روایات عام هستند و مفاد آنها این است که تعقل و تفکر، رکن دینداری به صورت کلی است و با توجه به این مسأله که آموزه‌های اخلاقی اسلام بخشی از اسلام است، می‌توان بیان داشت برخورداری از عقل و فهم، رکن اساسی تَخَلُّق به اخلاق اسلامی نیز هست. به طور کلی، هدف غائی تربیت اخلاقی، پرورش افرادی است که بتوانند وظیفه اخلاقی خود را در موارد گوناگون، مستقلاً یا با مراجعه به مراجع معتبر، تشخیص داده و بدون تأثیرپذیری از موانع بیرونی و درونی به وظیفه اخلاقی خود عمل کنند. از سوی دیگر، علامه مصباح یزدی در تشریح هدف غایی تربیت اخلاقی اینگونه می‌فرماید: «قرآن کریم کمال نهایی انسان را قرب الهی می‌داند. وقتی قرب را تحلیل می‌کنیم، می‌بینیم که منظور از آن، قرب مکانی یا زمانی نیست؛ چون هیچگاه انسان با خدای متعال رابطه زمانی یا مکانی نخواهد داشت. چنین رابطه‌ای فقط می‌تواند بین دو موجود جسمانی برقرار باشد، دو موجودی که در ظرف زمان و مکان قرار می‌گیرند؛ همین طور این قرب یک امر اعتباری و تشریفاتی محض نیست؛ بلکه دارای یک منشا تکوینی است. از آنچه که در کتاب و سنت وارد شده است و قابل تحلیل فلسفی و عقلی هم هست، به دست می‌آید که روح انسان در اثر اعمال خاصی، رابطه وجودی قوی‌تری با خداوند متعال پیدا می‌کند و این امری است حقیقی و تکوینی؛ ولی اکتسابی. در اثر این رابطه، جوهر نفس انسان کامل‌تر می‌شود و هر قدر کمال نفس



بیشتر شود، لذا ایش هم بیشتر خواهد بود و این همان معنایی است که ما اراده می‌کنیم و می‌گوییم که کمال با سعادت ملازمه دارد؛ چون کمال نفس است و نفس موجود مجرد است، کمال خودش را می‌یابد و چون کمال برای نفس، ملایم‌ترین و مناسب‌ترین چیزهاست، این است که بیشترین لذت را از کمال خودش می‌برد؛ پس اگر کمال ثابتی برای نفس حاصل شود، لذت پایداری هم برای نفس حاصل خواهد شد که اسمش سعادت است و همه دستورات شرع به خاطر همین هدف نهایی نازل شده و به بشر ابلاغ شده است؛ البته اهداف متوسط و نازلی دارد ولی هدف نهایی آن‌ها همین است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۳۴۳ و ۳۴۴)

۱-۳- مبانی و اصول تربیت اخلاقی و رفتاری

مبانی تربیت اخلاقی در حقیقت گزاره‌های توصیفی هستند که جهت‌گیری کلی تربیت اخلاقی را مشخص کرده و در تعیین اصول و روش‌های تربیت اخلاقی نقش ایفا می‌کنند. مبانی تربیت اخلاقی و به تبع آن اصول تربیت اخلاقی را می‌شود به دو دسته عام و خاص تقسیم کرد. مبانی عام تربیت اخلاقی افزون بر تربیت اخلاقی، در حیطه‌های دیگر تربیت نیز موثرند؛ به طور مثال برخورداری انسان از توانایی شناخت و آگاهی و برخورداری از اراده و اختیار، تاثیر ظاهر بر باطن و بالعکس، جاذبیت احسان و ... از جمله مبانی عام تربیت اخلاقی محسوب می‌شوند؛ زیرا افزون بر تربیت اخلاقی، در تربیت عبادی، اعتقادی و ... موثرند ولی مبانی خاص تربیت اخلاقی تنها در این نوع تربیت کاربرد دارند. حال قصد داریم به تبیین مبانی و اصول خاص تربیت اخلاقی پرداخته و از آنجا که معصومین علیهم السلام برترین الگوی اخلاقی به شمار می‌روند؛ با تکیه بر سیره ایشان، اصول و مبانی را مورد واکاوی قرار دهیم.

۱-۳-۱- مبانی در هم تنیدگی دین و اخلاق

در سیره معصومین علیهم السلام تمام فضائل و رفتارهای اخلاقی بخشی از دستورهای دینی است؛ برای نمونه فضیلت عفت، اصلاح میان مردم، اهتمام به امور دیگران و رفع مشکلات آن‌ها و حیا که از فضیلت‌های اخلاقی هستند، در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به عنوان بخشی از دین اسلام و دستورات دینی بیان شده‌اند. امام باقر علیه السلام فرمودند: «إِنَّ أَفْضَلَ الْعِبَادَةِ عَقَّةُ الْبَطْنِ وَالْفَرْجِ؛ برترین عبادت عفت دامن و شکم است»^۱. کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۷۹. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «صَدَقَهُ يُجِبُّهَا اللَّهُ؛ إِصْلَاحُ بَيْنِ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا، وَ تَقَارُبُ بَيْنَهُمْ إِذَا تَبَاعَدُوا؛ صدقه‌ای که خدا آن را دوست دارد عبارت است از: «اصلاح میان مردم، هرگاه رابطه‌شان تیره شد و نزدیک کردن آن‌ها به یکدیگر، هرگاه از هم دور شدند»^۲؛ همان، ص ۲۰۹. همچنین فرموده‌اند: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ آن‌که صبح کند و دغدغه



مسلمانان را نداشته باشد، مسلمان نیست».^۱ همان، ص ۱۶۳) از روایات مذکور می‌توان بدین نتیجه رسید که در سیره معصومین علیهم السلام اخلاق بخشی از دین است و دو جزء جدایی‌ناپذیر نسبت به هم هستند و در واقع، پیوندی عمیق و وثیق دارند.

➤ اصل در هم تنیدگی تربیت اخلاقی و تربیت دینی

➤ این اصل بدین معناست که در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام تربیت اخلاقی بخشی از تربیت دینی است، نه چیزی جدا و مستقل از آن؛ لذا اولاً تربیت اخلاقی را نباید از تربیت دینی جدا کرد. ثانیاً تربیت اخلاقی بدون تربیت دینی نمی‌تواند با موفقیت همراه باشد. آراستگی به فضیلت‌های اخلاقی ثمره ایمان راسخ به خداوند (تربیت دینی) است. اعتقاد به خدا و اعتقاد به اینکه او در تمام لحظات بر اعمال و رفتار ما ناظر است مانع از آلوده شدن مسلمان به رذائل و رفتارهای ناشایست می‌شود.^۲ علوان، عبدالله ناصح، تربیه الاولاد فی الاسلام، بی‌جا، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۱ - ۱۶۷)

➤ ۱-۳-۲- مبنای صالح بودن عمل و انگیزه عامل

➤ از نظر معصومین علیهم السلام رفتار اخلاقی‌ای ارزشمند است که عمل و قصد و انگیزه عامل، هر دو شایسته و پسندیده باشد. شایستگی عمل بدین معناست که عمل خود نزد شرع مقبولیت داشته باشد. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزاً عَظِیماً وَ نَالَ ثَوَاباً جَزِیْلاً وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَاناً مُّبِیْناً وَ اسْتَحَقَّ عَذَاباً أَلِیْماً؛ آنکه از خدا و پیامبر او پیروی کند به رستگاری عظیم و پاداش فراوان دست یافته و آنکه از خدا و پیامبر او سرپیچی کند، آشکارا زیان کرده و سزاوار عذابی دردناک است».^۳ کلینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۴۲) خداوند متعال، دانا و حکیم مطلق است و بیهوده به چیزی امر یا از چیزی نهی نمی‌کند؛ در هر امر او مصلحتی و در هر عمل منهی، مفسده‌ای است که خداوند برای دستیابی انسان به مصالح و در امان ماندن از مفاصد، پیامبرانی فرستاده است و همه آنچه را برای فلاح و رستگاری و سعادت انسان لازم بوده، از طریق آنان به مردم رسانده است. ذیل بحث انگیزه نیکو و پسندیده نیز باید دانست که آن انگیزه‌ای نیکو و پسندیده است که جز رضای خدا و اطاعت از دستور او چیز دیگری قصد نشده باشد. در واقع، رفتارهایی مورد قبول درگاه خداوند واقع می‌شوند که با انگیزه صحیح انجام گیرند و انگیزه صحیح نیز همانا قصد اطاعت از دستور خدا و اخلاص در عمل است.



➤ اصل تهذیب ظاهر و باطن

➤ بر اساس مبنای صالح بودن عمل و انگیزه عامل، تربیت اخلاقی در صورتی به مقصد نهایی خود می‌رسد که هم ظاهر از رفتارهای ناشایسته تهذیب شده باشد و هم باطن از انگیزه‌های ناشایسته. به نظر می‌رسد در سیره معصومین علیهم السلام هر عملی، ظاهر و باطنی دارد. ظاهر عمل همان حرکاتی است که از اعضا و جوارح انسان صادر می‌شود و باطن و روح عمل، انگیزه‌ای است که انسان را وادار به انجام آن رفتار کرده است. در سیره نیز بر اخلاص نیت و پیراستن درون از انگیزه‌های پلید تاکید بسیاری شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ لِكُلِّ أَمْرٍ مَا نَوَى فَمَنْ غَزَا ابْتِغَاءَ مَا عِنْدَ اللَّهِ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ مَنْ غَزَا يُرِيدَ عَرَضَ الدُّنْيَا أَوْ نَوَى عَقْلًا لَمْ يَكُنْ لَهُ إِلَّا مَا نَوَى؛ همانا ارزش اعمال به نیت است و هر کسی بر حسب آنچه نیت کرده بهره‌مند می‌شود. کسی که جهاد کند و نیتش دستیابی به اجر الهی باشد، اجر او به عهده خداست و کسی که برای رسیدن به منافع دنیایی یا گرفتن اسیر ارزشمند و آزاد کردن آن در برابر فدیة جهاد کند، جز آنچه قصد کرده به دست نمی‌آورد». (حر عاملی محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۴۸)

➤ ۱-۳-۳- مبنای مکمل بودن عقل و وحی

➤ عقل انسان توان درک بسیاری از ارزش‌های کلی اخلاقی و برخی مصداق‌های روشن ارزش‌های کلی را دارد؛ ولی تشخیص همه مصادیق ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اخلاقی در شرایط مختلف از عهده عقل انسان خارج است و در این موارد تنها راه رجوع به شرع می‌باشد؛ زیرا تعیین و محاسبه تاثیرات یک عمل بر کمال حقیقی انسان از عهده انسان بیرون است.

➤ اصل پرورش تعقل اخلاقی در کنار پرورش تعبد

➤ پرورش تعقل اخلاقی به معنای «رشد دادن و تقویت توانایی اندیشه و داوری و تصمیم‌گیری درباره مسائل اخلاقی» است؛ چنان‌که پرورش تعبد اخلاقی به معنای «رشد دادن و تقویت روحیه تسلیم و پیروی از دستورات الهی در مسائل اخلاقی» است. در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام تعقل و تعبد کاملاً مکمل یکدیگرند؛ زیرا هر کدام دارای نقش و کارکرد جداگانه‌ای هستند. نقش و کارکرد عقل، مشخص کردن اصول و خطوط کلی فضیلت‌ها و رذیلت‌ها و رفتارهای شایسته و ناشایسته می‌باشد؛ البته با توجه به عدم توانایی کامل عقل جهت تعیین همه مصداق‌های رفتارهای پسندیده در تمام موقعیت‌ها، انسان در چنین مواقعی می‌تواند از وحی الهی و دین کمک بگیرد. از سوی دیگر، عقل بعد از دریافت هدایت الهی، انسان را در درک و فهم صحیح دستورات



➤ اخلاقی دین و نیز تطبیق آن‌ها بر موارد و موقعیت‌های مختلف یاری می‌کند. بعد از دریافت دستور الهی و شناخت آن، وقت تعبّد و پیروی از آن فرا می‌رسد و انسان نمی‌تواند به بهانه‌های واهی از پذیرش و تسلیم در برابر آن سر باز زند

۱-۳-۴- مبنای در هم تنیدگی اصل و فضیلت اخلاقی

در متون دینی و سیره معصومین علیهم السلام هم فضائل و صفات مورد توجه است و هم اصول و قواعد رفتار؛ در حقیقت این دو با یکدیگر هیچگونه تعارضی ندارند و با هم قابل جمع هستند؛ حتی می‌توان این دو را مکمل هم دانست؛ زیرا به ازای هر اصل، یک فضیلت اخلاقی به همان نام وجود دارد و به عکس. فضیلت‌های اخلاقی افزون بر نقش انگیزشی، نقش هدایتگری و راهنمایی را نیز بر عهده دارند. حال آنکه اصول اخلاقی تنها وظیفه هدایتگری به سوی رفتارها و صفات پسندیده را انجام می‌دهند.

➤ اصل آموزش اصول اخلاقی همراه پرورش فضائل اخلاقی

➤ یکی از اصول مهم تربیت اخلاقی در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام اصل در هم تنیدگی آموزش اصول اخلاقی و پرورش فضائل اخلاقی است. مراد از آموزش اصول اخلاقی، آشنا کردن افراد با قواعد کلی حاکم بر اخلاق و رفتارهای شایسته و ناشایسته اخلاقی است. مراد از پرورش فضائل اخلاقی، ایجاد و تقویت عادت‌های رفتاری مطلوب اسلام در افراد است به طریقی که بتواند به آسانی در هر شرایطی و در هر موردی رفتار شایسته اخلاقی متناسب با آن را انجام دهد.

۱-۳-۵- مبنای ذو مراتب بودن اخلاق

در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مواردی وجود دارد که نشان می‌دهد از نظر ایشان رفتار پسندیده اخلاقی ارزشمند است؛ حتی اگر از غیر مسلمان و به انگیزه‌ای غیر دینی صادر شده باشد. ایشان در مقام ترغیب مسلمانان به رفتارهای اخلاقی بر عذاب‌ها و پاداش‌های دنیوی و اخروی پیروی و سرپیچی از قواعد اخلاقی تاکید کرده‌اند. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ الْغَنَى وَالْعِزَّ يَجُولَانِ، فَإِذَا ظَفَرَا بِمَوْضِعِ التَّوَكُّلِ أَوْطَنَا؛ بی‌نیازی و عزت در گردش‌اند و هرگاه به محل توکل رسیدند در آنجا ساکن می‌شوند».^۱ کلینی، ۱۴۶۹، ج ۲، ص ۶۵. در این روایت امام علیه السلام با بیان این مطلب که یکی از نتایج توکل بی‌نیازی و عزت است؛ مومنان را به این صفت ترغیب می‌کند. اگر کسی دستورات خدا؛ از جمله دستورات اخلاقی را نه تنها برای



ثواب و دستیابی به بهشت و دوری از عذاب؛ بلکه برای ادای شکر نعمت‌های خداوندی انجام دهد؛ نه تنها مطلوب؛ بلکه ارزشمندتر از رفتارهای پیشین نیز هست و اگر برای علاقه‌ای که به خداوند دارد انجام دهد، این رفتارها نیز مطلوب و در مقایسه با دیگر رفتارها از ارزش بیشتری نیز برخوردار هستند.

➤ اصل تعالی تدریجی

مقصود از این اصل این است که میدان رشد و اوج گیری اخلاقی برای فرزند بسیار وسیع است و تنها به اخلاق انسانی محدود نیست؛ زیرا انسان می‌تواند خود را از دام سود و زیان مادی رها کرده و اوج بگیرد و به مراحل بالاتر برسد. در این میان باید توجه داشت که برای اوج گرفتن و رسیدن به مراتب بالاتر باید مرحله به مرحله پیش رفت.

۱-۳-۶- مبنای جدال پیوسته لشکریان عقل و جهل

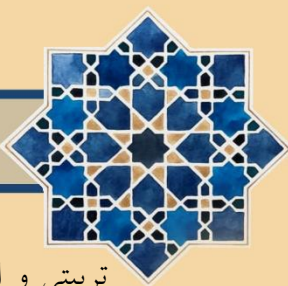
در وجود انسان دو لشکر وجود دارد. این دو همواره در حال نبرد با یکدیگرند. اگر لشکر جهل پیروز شود، انسان از انسانیت خود تهی شده و به حیوان؛ بلکه پست‌تر از آن مسخ می‌شود و رفتارهای صادر شده از او رفتارهایی ناشایست و حیوانی خواهند بود و اگر لشکر عقل پیروز این میدان باشد، انسانیت انسان شکوفا شده و از فرشتگان بالاتر می‌رود و رفتارهای صادر شده از او نیز همگی شایسته و انسانی خواهند بود.

➤ اصل مراقبت دائم و مخالفت با هواهای نفسانی

پیروی از شهوت‌ها و هواهای نفسانی و لشکریان جهل انسان را به پرتگاه سقوط می‌کشاند. در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بر مراقبت و محافظت خود از خطرات شهوات هواهای نفسانی و مبارزه با آنها بسیار تاکید شده است. انسان باید بسیار مواظب و مراقب نفس و هواهای نفسانی باشد؛ زیرا که لحظه‌ای غفلت، انسان را به دره هولناک انحطاط می‌اندازد.

۱-۴- روش‌های تربیت اخلاقی و رفتاری

روش‌های تربیتی عبارتند از؛ دستورالعمل‌هایی که به ما می‌گویند برای رسیدن به مقصد و مقصود مورد نظر چه باید بکنیم؛ (باقری، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶) در حقیقت روش‌های تربیتی مظهر و نمود بارز کار تربیت هستند و بخش اعظم توفیق تربیت کنندگان، در گرو شیوه‌هایی است که ایشان برای رسیدن به اهداف تربیتی اتخاذ کرده، به کار می‌بندند؛ لذا می‌توان خطرترین و دشوارترین مرحله از فرآیند تربیت را تعیین و تشخیص روش‌های



تربیتی و استفاده و به کارگیری صحیح و موثر آن دانست. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «نَمَا فَرَّقَ بَيْنَهُمْ مَبَادِئُ طِينِهِمْ كَانُوا خَلْقَهُ مِنْ سَبَخِ أَرْضٍ وَعَذِبَهَا وَحَزَنِ تُرْبَةٍ وَ سَهْلَهَا؛ فَهُمْ عَلَى حَسَبِ قُرْبِ أَرْضِهِمْ يَتَقَارَبُونَ وَعَلَى قَدَرِ اخْتِلَافِهَا يَتَفَاوَتُونَ؛ آنچه میان انسان‌ها تفاوت به وجود آورده است سرشت آن‌هاست؛ زیرا که ترکیبشان از پاره‌ای زمین و خاکی درشت یا نرمین است؛ پس آن‌ها به اندازه نزدیکی زمینشان با هم سزاوارند و به مقدار اختلاف آن از یکدیگر به کنارند.»^۱ همان، ص ۱۳۶. توانایی، وسع و ظرفیت انسان‌ها، مختلف و گوناگون است و بدون توجه به مراتب وجود و تفاوت توانایی انسان‌ها نمی‌توان کار تربیت را انجام داد؛ لذا می‌توان با رجوع به منابع دینی مختلف و تمسک به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام روش‌های تربیت اخلاقی را جستجو نمود.

۱-۴-۱- روش‌های زمینه ساز

فراهم آوردن زمینه مناسب از اهمیت بسیاری برخوردار بوده که با استفاده از روش‌های ذیل می‌توان زمینه را برای تحقق اهداف تربیت اخلاقی مساعد ساخت.

الف: توجه به محیط خانواده و وراثت

در تعلیم و تربیت اسلام به محیط‌های اولیه در آموزش و پرورش کودک توجه بسیاری شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبدا سعادت و شقاوت بشر را از شکم مادر دانسته و می‌فرمایند: «السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ؛ خوش بخت کسی است که در رحم مادرش خوش بخت شده است و بدبخت کسی است که در رحم مادرش بدبخت شده است»؛ لذا می‌توان گفت اولین روش تربیتی، ایجاد محیط سالم برای کودک است؛^۲ قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۲۷. در واقع اولین و مهم‌ترین زمینه و بستر تربیت اخلاقی، محیط خانواده است. پدر و مادر از دو راه در وضع اخلاقی کودک اثر می‌گذارند؛ یکی از طریق ارث به طور ناخودآگاه و تعلیم و تربیت به صورت خودآگاه. تشکیل خانواده مناسب، زمینه مطلوب را برای رشد ارزش‌های اخلاقی به وجود می‌آورد و اولین قدم برای تربیت اخلاقی فرزند، تشکیل خانواده مناسب و انتخاب همسر شایسته است. قدم بعدی برای ایجاد و شرایط مناسب تربیت اخلاقی فرزند، رعایت حقوق از طرف والدین است که یکی از آن حقوق، انتخاب نام شایسته می‌باشد. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «نخستین نیکی هر کس در حق فرزندش، نام نیکو گذاشتن است؛ پس هر کدام از شما برای فرزندان نام نیکو انتخاب کنید.»^۳ ربانی شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۱۲۲. انتخاب نام شایسته و نیکو به لحاظ آثار تلفیق و تأثیری که در شخصیت و روحیه کودکان دارد حائز اهمیت می‌باشد. چه بسا انتخاب اسامی نظیر صفات خداوند و با



اسامی شخصیت‌های بزرگ و پیشگامان تقوا و فضیلت به جهت آثار تلفیقی آن در رفتار و خلیات کودک موثر باشد و احساس نزدیکی به آن‌ها کند و سبب تقویت اعتماد به نفس او گردد.^۱ چوپانی وجیهه، ۱۴۰۰، ص ۸

ب: پرهیز دادن شخص از محیط‌های ناسالم

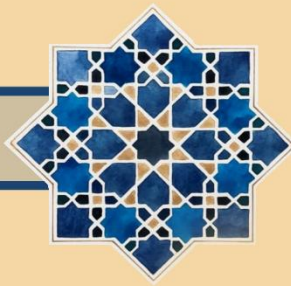
انسان موجودی اجتماعی است و برای ادامه حیات خود و تامین نیازهای ضروری خود نیازمند ارتباط با محیط پیرامون است. این محیط می‌تواند بر شخصیت، رفتار و گفتار فرد تاثیر بگذارد؛ در صورت صالح بودن محیط، معمولاً رفتار فرد نیز صالح خواهد بود؛ ولی در صورتی که محیط فاسد باشد معمولاً به تدریج انسان را فاسد کرده و او را به سوی رفتارهای ناشایست سوق می‌دهد؛ لذا می‌توان به این نتیجه رسید که در اغلب موارد، تربیت اخلاقی بدون محیط سالم امکان پذیر نخواهد بود؛ لذا والدین باید نسبت به عناصر محیطی توجه لازم را داشته باشند و در راستای حفظ محیط پرورش فرزند نسبت به آسیب‌های احتمالی حداکثر تلاش خود را انجام دهند.

ج: پرهیز از معاشرت با صاحبان رذائل

تاثیر دوست و همنشین بر خلق و خوی انسان، امری انکار ناپذیر است و بدین جهت؛ در متون اسلامی از همنشینی با بدان نهی و به همنشینی با نیکان توصیه شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «تَصَحَّبُوا أَهْلَ الْبِدْعِ وَلَا تُجَالِسُوهُمْ فَتَصِيرُوا عِنْدَ النَّاسِ كَوَاحِدٍ مِنْهُمْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ؛ با بدعت گذاران رفاقت و همنشینی نکنید که در نظر مردم شما هم مانند یکی از آن‌ها خواهید بود». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کسی بر دین دوست و همراه خود است».^۱ کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۳۷۶. با توجه به تاثیرگذاری دوست بر خلق و خوی و رفتار انسان، بر اساس سیره مذکور والدین باید مراقبت و توجه لازم نسبت به فرزندان خود داشته باشند و آن‌ها را به دوستی با نیکان و افراد صالح تشویق نموده و از دوستی با بدان و افراد دارای انحراف اخلاقی بر حذر دارند.

د: ایجاد فضای اخلاقی در جامعه

برای ایجاد زمینه مناسب برای تربیت اخلاقی یکی از کارها حاکم کردن فضای اخلاقی در جامعه است. مقصود



از فضای اخلاقی آن است که ارزش‌های اخلاقی در جامعه جایگاهی برتر بیابند و همه، خود را موظف و متعهد به رعایت آن‌ها بدانند. والدین باید تمام تلاش خود را صرف حاکم کردن ارزش‌های اخلاقی اسلام و ایجاد فضای اخلاقی در جامعه نمایند. زمانی که فضای اخلاقی مناسبی در جامعه ایجاد شود نسل جدیدی که در آن زیست می‌کند؛ به صورت عملی با ارزش‌های اخلاقی آشنا شده و بر اساس ساز و کار تقلید و همرنگی، آن‌ها را در زندگی روزمره خود به کار می‌بندد.

ن: محبت و احسان

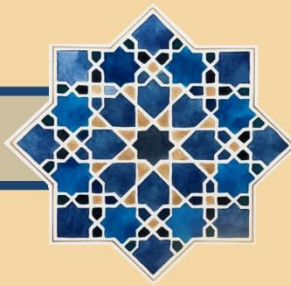
احسان به دیگران باعث علاقه‌مندی دیگران به احسان کننده می‌شود و او را دوست خواهند داشت. در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ۚ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَاَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ؛ هرگز نیکی و بدی در جهان یکسان نیست، همیشه بدی را به بهترین شیوه که خیر و نیکی است پاداش ده و دور کن تا همان کس که گویی با تو بر سر دشمنی است دوست تو گردد».^(فصلت، آیه ۳۴) این علاقه و دوستی زمینه را برای تاثیرپذیری از احسان کننده آماده می‌کند؛ زیرا قلب انسان به هر چه علاقه‌مند باشد سایر اعضا و جوارح او نیز بدان علاقه‌مند می‌شوند و این علاقه‌مندی پذیرش و پیروی را در پی دارد.

و: احترام گذاشتن

بزرگداشت و احترام شخصیت برای هر انسانی یک نیاز طبیعی است که در اثر غریزه حب ذات در سرشت انسان نهادینه شده است. انسان ذاتاً به نفس خویش علاقه دارد و تمایل دارد که دیگران نیز شخصیت او را پذیرفته و به او احترام بگذارند. در صورت تحقق این نیاز طبیعی، فرد احساس آرامش می‌کند و به نفس خویش اعتماد کرده و احساس خودباوری و باارزش بودن را اخذ می‌کند؛ در حقیقت احترام گذاشتن خود به تنهایی نوعی امر اخلاقی است و کسانی که مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرند انگیزه بیشتری برای انجام اعمال غیر اخلاقی خواهند داشت؛ در واقع والدین می‌توانند با القای حس کرامت نفس در فرزندان خود، آنان را از انجام اعمال غیر اخلاقی دور سازند.

ه: تغافل

این روش مبتنی بر اصل کرامت نفس است؛ در واقع به این معناست که فرد از چیزی باخبر باشد ولی عملاً



خود را بی اطلاع و غافل نشان دهد. این روش با حفظ عزت نفس فرد، نقش موثری در تربیت اخلاقی او دارد. در این روش زمانی که خطای فرزند ثابت شد در حالیکه برای اولین بار آن کار را انجام داده است، والدین او آگاهانه خود را به غفلت می زنند و به روی او نمی آورند و شرایط را برای اصلاح فراهم می کنند. این عمل باعث حفظ شخصیت فرد خطاکار خواهد شد؛ در عین حال زشتی عمل خود را درک کرده و از تکرار آن خودداری خواهد کرد. حال آنکه اگر متوجه شود که دیگران پی به عمل او برده اند، قبح آن خواهد ریخت و این عمل غیر اخلاقی و رفتار بزهکارانه تکرار می شود. بر اساس این روش افزون بر جلوگیری از برچسب زدن به فرد، فرصت اصلاح او را به وجود می آوریم. امام علی علیه السلام فرموده اند: «عَظُمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّغَافُلِ عَنِ الدُّنْيَا مِنَ الْأُمُورِ؛ با بی توجهی به امور پست و کوچک، بر ارزش خود بیفزایید». (حرّانی ابن شعبه، ۱۳۸۰، ص ۲۲۴)

ی: روش تمرین، تکرار و عادت دادن

در این روش با تکرار و تمرین می توان به مرتبه ای رسید که فضائل اخلاقی تبدیل به ملکات اخلاقی شوند. اعمال و رفتارهای انسانی ثمره خلق و خوی درونی است و تکرار آن، سبب عادت می شود و در نتیجه، تکرار یک رفتار خوب اخلاقی به تدریج درونی شده و استمرار آن سبب پیدایش ملکه اخلاقی می گردد؛ لذا والدین باید سعی کنند که از تشکیل عادات ناپسند در فرزندان جلوگیری شود؛ زیرا پیشگیری بهتر از درمان است.

۱-۴-۲- روش های پرورش آگاهی و بصیرت اخلاقی

انسان موجودی متفکر و آگاه است؛ به همین جهت آگاهی و شناخت نقش مهمی در شکل دادن به گرایش ها و رفتارهای وی دارد. در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام دو روش برای پرورش شناخت و بصیرت اخلاقی در نظر گرفته شده است؛ یکی روش های آشنا کردن متربی با آموزه های اخلاقی و دیگری روش های پرورش تفکر اخلاقی.

۱-۴-۳- روش های آشنا کردن شخص با آموزه های اخلاقی

آشنا کردن شخص با آموزه های اخلاقی نقش اساسی ای در رشد و تقویت بصیرت اخلاقی دارد. در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام روش هایی برای آشنا کردن شخص با آموزه های



اخلاقی بیان شده است که می توان به موارد ذیل اشاره کرد.

الف: آموزش اصول و معیارهای اخلاقی

آموزه های اخلاقی دارای گستره وسیعی است و از آنجا که اخلاق منطق رفتار است، شخص باید بتواند آموزه های اخلاقی را بر اوضاع و احوال گوناگون زندگی خود تطبیق دهد. یکی از مشکلات عمده در آموزش اخلاق این است که چگونه می توان آموزه های اخلاقی را به شخص آموزش داد تا او بتواند در شرایط گوناگون، وظیفه اخلاقی خود را تشخیص دهد و بر طبق آن عمل کند. باید دانست هر کاری که با امیال و گرایش های نفسانی انسان سازگار باشد، ناشایست است؛ در مقابل هر کاری که با میل ها و گرایش های نفسانی ناسازگار باشد یقیناً درست و شایسته است؛ برای نمونه بی بند و باری جنسی با مزاج آدمی سازگار است؛ لذا بر اساس این قاعده می توان گفت عملی ناشایست است. «دَعَا مَا يُرِيكُ اِلَى مَا لَا يُرِيكُ؛ آنچه را در درستی آن شک داری رها کن و به آنچه در درستی آن شک نداری عمل کن» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۷، ص ۱۷۱)

ب: تبیین جهان بینی و فلسفه ارزش های اخلاقی

یکی از روش های مهم در پرورش بصیرت و آگاهی اخلاقی، داشتن بینشی کلی از جهان و انسان است که ارزش های اخلاقی مورد نظر بر آن استوار شده اند. تربیت اخلاقی زمانی بر پایه هایی محکم استوار خواهد بود که باورهایی متناسب با آن در روح و جان شخص ریشه دوانده باشد؛ در حقیقت جهان بینی اخلاقی نه تنها در شکل گیری بصیرت اخلاقی تاثیر دارد؛ علاوه بر آن در ایجاد انگیزه برای عمل به ارزش ها و آموزه های اخلاقی نیز موثر است.

ج: تبیین موانع رفتارهای اخلاقی و راه های غلبه بر آنها

یکی از ویژگی های سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیه السلام این است که در تربیت اخلاقی به موانع اخلاق و تربیت اخلاقی بسیار اهمیت داده و آنها را با دقت تبیین کرده و راه حل هایی برای مبارزه با آنها ارائه کرده اند؛ برای نمونه سیره ای از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمودند: «انما یوتی الناس یوم القیامه عن احدی من ثلاث اما من شبهه فی الدین ارتکبوها او شهوه او لذه آثروها او عصبیه لحمه اعملوها فاذا لاحت لکم شبهه فی الدین فأجلوها بالیقین و اذا عرضت لکم شهوه فاقمعوها بالزهد و اذا عنت



لکم غضبه فادرووها بالعفو انه ینادی مناد یوم القیامه من کان له علی الله اجر فلیقم؛ فلا یقوم الا العافون. الم تسمعوا قوله تعالی: مَنْ عَفَا وَاصْلَحَ فَاجْرُهُ عَلَی اللَّهِ؛ در روز رستاخیز مردم از یکی از این سه ناحیه آورده می‌شوند: «شبهه‌ای دینی که مرتکب آن شده‌اند، میل به لذتی که آن را برگزیده‌اند و تعصب خویشاوندی که بر اساس آن رفتار کرده‌اند. هرگاه دچار شبهه‌ای در دین شدید، با یقین مانع عمل به آن شوید و هرگاه شهوتی بر شما عرضه شد، ریشه آن را با زهد بکنید و هرگاه غضبی ناشی از تعصب شما را به زحمت انداخت، با بخشش آن را دفع کنید؛ که روز رستاخیز منادی ندا می‌دهد آن که از خداوند پاداشی طلب دارد برخیزد و جز بخشندگان بر نمی‌خیزند». آیا نشنیده‌اید سخن خداوند متعال را که فرمود: «آنکه ببخشد و درگذرد و اصلاح کند، پاداش او به عهده خداوند است». ^۱ (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۵، ص ۱۸۲) در این روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سه مانع از موانع رفتارهای پسندیده را بیان کرده و برای مبارزه با آنها راه حل داده است. این سه مانع عبارتند از؛ شبهه در امور دینی، میل و شهوت نامشروع و تعصب خویشاوندی.

د: بیان عواقب و پیامدهای رفتارهای اخلاقی و ضد اخلاقی

یکی دیگر از روش‌ها در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بیان پیامدهای رفتارهای اخلاقی و ضد اخلاقی است. آنان در کنار دعوت مردم به فضائل و بازداشتن آن‌ها از رذائل، آثار و پیامدهای آن را نیز بیان کرده‌اند. آگاهی از این پیامدها سه اثر مهم تربیتی دارد؛ کمک به افزایش آگاهی و بصیرت اخلاقی، تقویت قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری صحیح اخلاقی و ایجاد انگیزه در جهت انجام عمل اخلاقی.

۱-۴-۴- روش‌های پرورش تفکر اخلاقی

پرورش توانایی تفکر اخلاقی نقشی اساسی در رشد و تقویت بصیرت و آگاهی اخلاقی دارد. فرد برخوردار از این توانایی، توان تشخیص وظیفه اخلاقی خود را در هر شرایطی دارد. از سوی دیگر، می‌تواند تصمیم صحیح اتخاذ کند و از افتادن در ورطه انحرافات اخلاقی در امان بماند. اکنون می‌خواهیم به شیوه‌هایی برای رشد و پرورش تفکر اخلاقی بر اساس سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بپردازیم.

الف: تشویق به تفکر در مسائل اخلاقی

تفکر در انسان دارای جایگاه والایی است؛ در حقیقت به منزله چراغی می‌باشد که در تاریکی‌های بی‌انتهای



جهل و نادانی به سوی روشنایی‌ها هدایت و از درافتادن وی به دره‌های وحشتناک هوا و هوس‌ها حفظ می‌کند؛ لذا در روایات متعدد شاهد آن هستیم که معصومین علیهم السلام مردم را به تفکر؛ به ویژه تفکر در مسائل اخلاقی و اعمال و رفتار خود دعوت کرده‌اند. «فِکْرُ الْمَرْءِ مَرَّاهُ تُرِيهِ حُسْنَ عَمَلِهِ مِنْ قُبْحِهِ؛ فِکْرُ انْسانِ آئینه‌ای است که زشت و زیبای رفتار آدمی را به او نشان می‌دهد». آمدی عبد الواحد بن محمد (۱۳۶۶، ص ۵۷)

ب: تشویق به تفکر قبل از اقدام به عمل

تفکر در رفتار، قبل از انجام آن نقش مهمی در تشخیص حسن و قبح آن و جلوگیری از درافتادن به وادی انحرافات اخلاقی دارد؛ لذا در روایات مختلف به تفکر پیش از عمل سفارش شده است. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «أَتَى رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَ: عَلَّمَنِي. فَقَالَ: عَلَيْكَ بِالْيَأْسِ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ فَإِنَّهُ أَلْغَنِي الْحَاضِرُ. قَالَ: زِدْنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ يَكُ خَيْرًا وَرُشْدًا اتَّبَعْتَهُ وَإِنْ يَكُ غَيًّا فَدَعُهُ؛ مردی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «چیزی به من بیاموز.» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «از آنچه در دست مردم است نومید باش که این توانگری نقد است». مرد گفت: «برایم بیشتر بگو». حضرت فرمودند: «هرگاه قصد کاری کردی در عاقبت آن بیندیش. اگر خوب بود و خیر، آن را ادامه بده و اگر شر بود و گمراهی، رهاش کن.» (محدث نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۱، ص ۳۰۶) بر پایه این روایت، تفکر در کار پیش از انجام آن، موجب می‌شود حسن و قبح آن روشن شده و فرد از ارتکاب رفتارهای ناشایست در امان بماند؛ افزون بر این می‌توان گفت خود این کار، تفکر و اندیشه اخلاقی را نیز تقویت می‌کند.

ج: بحث و گفتگو درباره مسائل اخلاقی

بر اساس سیره معصومین علیهم السلام، ایشان همواره با فرد تحت تعلیم گفتگو می‌کردند و در این گفتگو ارزش‌های اخلاقی را به او آموزش می‌دادند و سطح آگاهی او را بالا می‌بردند و هم از این طریق، سطح تفکر اخلاقی آن‌ها را به مراحل بالاتری ارتقا می‌دادند و توجه آن‌ها را به جنبه‌های مغفول مانده از امور اخلاقی، جلب می‌کردند.



۱-۴-۵- روش‌های پرورش گرایش‌ها و عادت‌های مطلوب اخلاقی

ایجاد گرایش‌ها و عادت‌های مطلوب اخلاقی، یکی از بخش‌های مهم تربیت اخلاقی است و به همین سبب؛ افزون بر ایجاد زمینه مناسب برای تربیت اخلاقی و علاوه بر رشد آگاهی و بصیرت اخلاقی، پرورش گرایش‌ها و عادت‌های مطلوب اخلاقی مورد توجه است.

الف: ترغیب و ترهیب

«ترغیب» از «رُغِبَ» و «ترهیب» از «رَهَبَ» یا «رُهِبَ» مشتق شده است. «رُغِبَ» به معنای میل و اشتیاق و «رَهَبَ» به معنای خوف و ترس است؛ بنابراین «ترغیب» ایجاد میل و رغبت نسبت به چیزی در یک یا چند نفر و «ترهیب» همان ایجاد خوف و ترس نسبت به چیزی در یک یا چند نفر است. انیس ابراهیم و دیگران، ۱۳۶۷، ذیل واژه «رُغِبَ» و «رَهَبَ». ترغیب و ترهیب از روش‌هایی است که در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام برای ایجاد انگیزه و گرایش در مردم به کارهای نیک و ایجاد نفرت و کراهت در آنان نسبت به کارهای زشت و به دنبال آن، بازداشتن ایشان از کارهای ناشایست اخلاقی به کار رفته است. بیان پیامدهای رفتارهای اخلاقی موجب می‌شود در فرد تحت تعلیم نسبت به رفتارهای پسندیده، میل و اشتیاق و نسبت به رفتارهای ناپسند، نفرت و کراهت به وجود آید. میل و اشتیاق، منشا انگیزه اقدام به رفتارهای شایسته و نفرت و کراهت، سرآغاز انگیزه ترک رفتارهای ناپسند می‌شود؛ زیرا انسان طبیعتاً به آنچه به او سودی می‌رساند، گرایش دارد و به دنبال آن است و از آنچه به او زیانی می‌رساند، متنفر است و از آن پرهیز می‌کند.

ب: تحریک انگیزه‌های ایمانی

به روش تحریک ایمان، می‌توان به پرورش عادت‌های مطلوب اخلاقی پرداخت. در این روش معصومین علیهم السلام با توسل به ایمان و اعتقادات دینی اشخاص و تحریک آن، آنان را به رفتارهای اخلاقی سوق می‌دهند.

ج: ارائه الگو

ارائه سرمشق از این جهت اهمیت دارد که اولاً فرد تحت تعلیم، رفتار اخلاقی را در عمل و با همه جزئیات



و ظرافت‌هایی که در اجرای آن وجود دارد، مشاهده می‌کند و به همین سبب؛ نه تنها با خود رفتار اخلاقی؛ بلکه با شرایط تحقق آن و تاثیراتی که بر دیگران بر جای می‌گذارد و با جایگاه آن در مقایسه با سایر رفتارها پی می‌برد؛ ثانیاً مشاهده عمل اخلاقی صادر شده از اسوه و مقتدا امکان عملی شدن آن را به صورت عینی برای فرد تحت تعلیم اثبات می‌کند و این از آن جهت اهمیت دارد که ممکن است در ابتدا انجام برخی رفتارهای اخلاقی غیرممکن و محال به نظر آید؛ ثالثاً مشاهده رفتارهای اخلاقی مقتدا و زیبایی‌های آن موجب می‌شود در فرد تحت تعلیم، گرایش و انگیزه اقدام به رفتارهای اخلاقی ایجاد و تقویت شود؛ در حقیقت معرفی الگوهای شایسته در محیط و طرد الگوهای ناشایست از جمله شیوه‌های ایجاد محیط تربیتی مناسب است. روش الگویی یا به عبارتی آموزشی غیر مستقیم، روش بسیار مهم و فراگیر برای تمام افراد بوده و در کلیه سطوح قابل اجرا می‌باشد. هیچ موجودی به اندازه فرزند انسان تقلیدپذیر نیست. بسیاری از شیوه‌های رفتاری، گفتاری و حتی فکری او به صورت تقلیدی است؛ لذا انتخاب الگو مناسب در این حالت اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. پدر و مادر جز نخستین الگوهای کودکان هستند. هر رفتار اخلاقی که از پدر یا مادر سرزند، کودک پسر با پدر و کودک دختر با مادر همانندسازی می‌کند و از او تقلید می‌کند؛ در نتیجه الگو باید مواظب رفتارهای خود باشد. (چوپانی، ۱۴۰۰، ص ۱۰ و ۱۱)

د: توصیه به تحمیل رفتارهای پسندیده بر نفس

رفتارهای پسندیده معمولاً با محدودیت‌هایی همراه هستند و پذیرش محدودیت برای انسان دشوار و مشقت‌بار است؛ زیرا انسان طبیعتاً میلی به محدودیت ندارد و دوست دارد هر آنچه را مایل است انجام دهد؛ به همین جهت اگر انسان به حال خود رها شود، هیچ گاه خود را به رفتارها و ارزش‌های اخلاقی پایبند نخواهد کرد؛ لذا در تربیت اخلاقی باید فرد تحت تعلیم خود را به انجام رفتارهای پسندیده وادار کند تا به تدریج با آنها خو گرفته و لذت آنها را دریابد. در این هنگام خود به خود و بدون نیاز به عامل بیرونی رفتارهای اخلاقی را انجام داده و از رفتارهای ضد اخلاقی دوری می‌کند.

و: نظارت و مراقبت

نظارت و مراقبت بر رفتار فرد تحت تعلیم و تذکر دادن نکات لازم، از روش‌های موثر در ایجاد عادت‌های مطلوب اخلاقی است. انسان‌ها در هر درجه‌ای از رشد اخلاقی باشند، در معرض خطا و اشتباه هستند و به همین خاطر اگر کسی مراقب اعمال و رفتار خود نباشد، به تدریج از مسیر درست منحرف شده،



فضیلت‌های اخلاقی در او تضعیف می‌شود و رذیلت‌های اخلاقی در او پدید آمده و رشد می‌کند. از سوی دیگر، محاسبه و حسابرسی باعث آگاهی و شناخت فرد از عیوب و رذائل خود می‌شود و زمینه اصلاح و سعادت خود را فراهم می‌کند.

۱-۴-۶- روش‌های اصلاح رذائل

یکی از وظایف عمده تربیت اخلاقی، مبارزه با صفت‌های رذیلت و رفتارهای ناشایست اخلاقی اشخاص است.

الف: چشم پوشی

در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام اولین اقدام در برخورد با رفتارهای ناشایست اخلاقی به ویژه اگر آن رفتار برای نخستین بار از فرد سر زده باشد، چشم پوشی و نادیده گرفتن آن است. این امر به دو علت صورت می‌گیرد؛ اولاً ممکن است متخلف با ارزش‌های اخلاقی آشنا نباشد؛ ثانیاً در مواردی اغماض و چشم پوشی کردن از تخلف بیش از تصریح کردن در متخلف موثر واقع می‌شود و او را از تکرار رفتار ناشایست باز می‌دارد؛ زیرا تصریح کردن، پرده حیای میان والدین و فرزندان را می‌برد و فرصت بازگشت را از وی می‌گیرد و او را بر ارتکاب رفتارهای ناشایست گستاخ می‌کند.

ب: موعظه و تذکر دادن

دومین گام در اصلاح رفتارهای خلاف اخلاق تذکر دادن است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به مرتکبان رفتارهای ناشایست اخلاقی، مستقیم یا غیرمستقیم تذکر می‌دادند و آن‌ها را از تکرار آن اعمال باز می‌داشتند. تذکر دادن از روش‌های تربیتی است که با روح، احساس و گرایش‌های فطری مخاطب سر و کار دارد و مانع از فراموشی در فرد می‌شود (رضی، ۱۳۹۷، خ ۱۸۳). و باید دارای ویژگی‌هایی باشد؛ از جمله اینکه شفقت و خیراندیشی موعظه‌گر باید در گفتارش مشخص باشد؛ زبان موعظه باید نرم باشد تا لجاجت را مهار کند و پند و اندرز در ابتدا باید به دور از جمع صورت گیرد. موعظه از روش‌های موثر برای تربیت اخلاقی است که برای به وجود آوردن فضائل و از بین بردن رذائل می‌تواند و مفید باشد؛ فرضاً اگر والدین بخواهند رذیله دروغگویی فرزندان را از بین ببرند؛ اولاً باید الگوی مناسبی



برای ایشان باشند؛ ثانیاً موعظه را چنان بیان کنند که قابل فهم و متناسب با فکر و اندیشه فرزندان باشد؛ همچنین می‌توانند آیات و روایاتی در مذمت و عوارض دروغ‌گویی که متناسب با وضعیت فکری فرزندان است، بگویند و سپس اشاره به موقعیت دروغ‌گویی در جامعه نمایند که مردم چگونه به او نگاه خواهند کرد و همچنین به بیان آثار مثبت راست‌گویی و پرهیز از همنشینی با افراد دروغگو بپردازند. (همان، خطبه ۱۸۴)

ج: وعده پاداش دادن

انسان‌ها چنان که از نظر جسمانی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند؛ از نظر روحی و انگیزشی نیز با هم متفاوت اند؛ برخی در برابر اغماض و چشم‌پوشی، برخی در برابر تذکر و برخی نیز در برابر ارائه مشوق‌های قوی واکنش نشان می‌دهند.

د: برخورد تند

گاه در صورت عدم تاثیر روش‌های پیشین، می‌شود از روش‌های تند استفاده کرد.

و: ایجاد فشار اجتماعی

از آنجایی که انسان موجودی اجتماعی است و معمولاً بیرون از جامعه و بدون آن نمی‌تواند به زندگی خود ادامه دهد؛ برای اصلاح برخی رفتارهای ناشایست فرد متخلف، می‌توان از فشار اجتماعی سود برد. یکی از انواع فشار اجتماعی، آگاه کردن دیگران از رفتار نادرست متخلف و دیگری قطع رابطه است.

۱-۵- چالش‌های رفتاری و اخلاقی در فضای مجازی

امروزه آسیب‌های گوناگون فکری، اعتقادی، اخلاقی، روحی، تربیتی، اجتماعی و سیاسی، نسل جوان ما را تهدید می‌کند که پیشگیری و بلکه درمان آن‌ها از فوری‌ترین وظایف والدین است؛ از جمله عوامل آسیب‌زا و بروز ناهنجاری در فرزندان می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود. (نقوی، ۱۳۹۵، ص ۶۵)



۱-۵-۱- بلوغ زودرس

امروزه فضای مجازی با ارائه محتویات نامناسب سن کودکان باعث بروز بلوغ زودرس در آنان می‌شود. با بلوغ زودرس، کودکان با مشکلات و استرس‌های روانی و اخلاقی مواجه می‌شوند و گاهی نمی‌دانند چگونه با این تغییرات کنار بیایند. آنان از نظر جسمی تظاهرات بلوغ را تجربه می‌کنند؛ اما تجربه کافی برای مدیریت آن را ندارند. حال اگر این مرحله به درستی طی نشود باعث بروز آشفتگی برای این گروه از جامعه خواهد شد.

۱-۵-۲- تاثیر محیط خانواده بر اخلاق فرزندان

فضای مجازی و تجمل‌گرایی موجود در آن باعث می‌شود هر یک از زوجین، آن شرایط به ظاهر ایده‌آل را در زندگی بلاگرها مشاهده و با زندگی خود مقایسه کنند و در صورت فقدان شباهت و نقصان یکسری موارد، از طرف مقابل خود توقع فراهم کردن چنان شرایط و امکاناتی را داشته باشند و این خود زمینه اختلافات را فراهم می‌کند. از سوی دیگر، تجربه ثابت کرده است که اختلاف والدین با یکدیگر و پرخاش‌ها و سرزنش‌هایی که میانشان رد و بدل می‌شود اثرات بسیار بدی بر روی فرزندان می‌گذارد و منجر به ضعف اعتماد فرزندان نسبت به والدین می‌شود و اینگونه برخوردها برای فرزندان سنگین بوده و آن‌ها را دچار اضطراب نموده و امنیتشان را از بین خواهد برد؛ همچنین احترام به والدین را از دل‌هایشان از بین خواهد برد و این موارد تنها بخشی از معایب حقیقی پنداشتن فضای مجازی است. (قاسمی، ۱۳۸۵، ص ۹۳)

۱-۵-۳- دوستان ناباب

یکی از نیازهای مهم فضای مجازی مسأله دوستیابی، آسان‌تر گردیده است و اگر فرزندان بدون توجه و توصیه‌های والدین، فرزندان داشتن دوست مناسب است تا بتوانند با او ارتباط برقرار کنند. امروزه در فضای مجازی مسأله دوستیابی، آسان‌تر گردیده است و اگر فرزندان بدون توجه و توصیه‌های والدین، افرادی را در فضای مجازی برای دوستی انتخاب نمایند؛ ممکن است که آسیب‌های مختلفی را تجربه کنند. دقت و تامل در زندگی صالحان و فاسدان این اصل اساسی را آشکار می‌کند که دوستان خوب، افراد صالح را و دوستان بد، افراد فاسد را می‌سازند؛ لذا تاثیر انتخاب دوست از طریق شبکه‌های اجتماعی همچون



تلگرام، اینستاگرام، یوتیوب، فیسبوک و ... بر زندگی فرزندان و والدین به حدی است که ممکن است آنان را جزء افراد صالح یا فاسد قرار دهد .

۱-۵-۴- تشبه و تقلید کورکورانه از دیگران

یکی از نیازهای مهم فرزندان داشتن الگوی مناسب است تا با تقلید از این الگو زمینه رشد او فراهم شده و اثرپذیری او نسبت به الگوهای نامتعارف و نامتناسب کاهش یابد. متأسفانه در جوامع کنونی، رسانه‌های اجتماعی، مسأله الگوپذیری را با توجه به روش‌ها و اصولی که به آن معتقدند به فرزندان منتقل می‌کنند که ممکن است این الگوپذیری منافعی با اسلام و شخصیت اسلامی باشد؛ به طور مثال این رسانه‌ها تلاش می‌کنند که جوانان و نوجوانان را به سمت الگوپذیری از بلاگرهای اجتماعی نامناسب سوق دهند و این کار را با هدف بر طرف کردن نیاز شغلی و گذران اوقات فراغت پیش می‌برند. (همان، ص ۴۹).

۱-۵-۵- رواج فرهنگ بی‌بند و باری به واسطه شبکه‌های اجتماعی توسط استعمارگران

هدف اصلی استعمارگران در هر کشور، جوانان آن کشور است چون خام‌تر و به بی‌بند و باری و لذت‌جویی مایل‌تر هستند و از همه مهم‌تر همین جوانان، سازندگان فردای هر جامعه‌ای هستند. حال دسترسی آسان به شبکه‌های اجتماعی و عدم اعمال محدودیت در استفاده از آن‌ها باعث دریافت طیفی گسترده از اطلاعات می‌شود که ممکن است مرتبط با سن نوجوان و جوان نباشد و همین امر سبب بی‌بند و باری او خواهد شد.

۱-۵-۶- کوتاهی والدین در محبت به فرزندان

هنگامی که والدین نسبت به فرزندان خود کوتاهی کنند و به مصادیقی از ابراز محبت همچون؛ بوسیدن فرزند و در آغوش گرفتن او اهتمام نوزند؛ فرزند احساس کمبود محبت کرده و تلاش می‌کند این خلا را به واسطه دوستی‌های نامتعارف در شبکه‌های اجتماعی مانند توییتر، تلگرام، اینستاگرام و ... پر کند. منشا آسیب‌ها و آفت‌ها همیشه لزوماً عوامل بیرونی نیستند؛ بلکه در اغلب موارد عدم استفاده صحیح از استعدادها، سرمایه‌ها و نداشتن برنامه برای به کارگیری قوای خدادادی موجب می‌شود تا اموری که برای حیات و بقای جوان ضروری هستند از آسیب‌ها و آفات جهانی گردند.



نتیجه گیری

در تربیت اخلاقی کودکان از جمله موانع موجود، بودن تعاریف واحد و مشترک از تربیت و اخلاق بین همه فرهنگ ها و ادیان، کمرنگ شدن اصول تربیتی خانواده و بالتبع ان جامعه و حس کنجکاوی و ماجراجویی افرادی افراد و همچنین اینکه ما تعریف درستی و مشخصی از حریم شخصی و یا تربیت و اخلاق عامل مهم است. همچنین فعالیت افراد سودجو با هدف های مالی که حاضرند به هر قیمتی با زیر پا گذاشتن اصول تربیتی به مقاصد خود برسند و یا ترویج فرهنگ های برهنگی تحت عناوینی همچون آزادی و حقوق شخصی هم میتواند از موانع دیگر باشد. البته در این میان ما میتوانیم با استفاده از توجه بیشتر خانواده ها بر مسایل تربیتی دختران جوان بر مبنای اصول تربیتی و همچنین رعایت قوانین و حدود الهی در استفاده از فضای مجازی و ایجاد جایگزین های بومی و ملی بر مبنای اصول تربیتی جامعه به جای شبکه های مجازی وارداتی در اشاعه اصول تربیتی و اخلاق اسلامی در فضای مجازی موثر باشیم.

منابع

- ابن ابی الحدید معتزلی، ۱۳۷۸ق، شرح نهج البلاغه، محقق (محمد ابوالفضل ابراهیم) قاهره، داراحیاء الکتب العربیه، چ اول، ج ۱۹.
- ایزدی، مهدی، مهدوی منش، حسین، ۱۳۹۱، پی جویی خانواده و کارکردهای تربیتی آن درآموزه های امام سجاد(ع) با تأکید بر شیوه های انحراف زدایی و فضیلت افزایی، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، ش ۱.
- بهشتی، محمد، ۱۳۸۷، ارای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تهران و قم، انتشارات سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج ۵، چ ۱.
- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۶۳، نهج الفصاحه، تهران، نشر جاوید.
- توسلی، طیب، ۱۳۹۲، تربیت دینی تربیت زمینه ساز. تربیت سکولار، فصلنامه علمی و پژوهشی مشرق موعود، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی، ش ۲۶.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، چ ۱.
- ری شهری، محمد، ۱۳۸۶، میزان الحکمه، مترجم (حمید رضا شیخی)، قم، دارالحدیث، ج ۱۰، چ نهم.



رهنما، اکبر، ۱۳۷۸، بررسی، تجزیه و تحلیل خاستگاه ها، غایات و روش های تربیت اخلاقی از دیدگاه کانت و خواجه نصیرالدین طوسی. رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

شاملی عباسعلی، ۱۳۸۶، تربیت اخلاقی و پیش فرض ها و چالش ها، قم، دفتر نشر معارف، چ ۱.

سجادی، سید احمد، ۱۳۷۹، رویکردها و روش های تربیت اخلاقی و ارزشی، تهران، پژوهشگاه مطالعات علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سلحشوری، احمد، ۱۳۹۰، حدود و ثغور تربیت اخلاقی و تربیت معنوی و تربیت دینی، فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، ش ۲.

فلسفی، محمد تقی، ۱۳۸۲، گفتار فلسفی (جوان از نظر عقل واحساسات)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۱ و ۲.

کاظمی، حمید رضا، ۱۳۹۳، برنامه درسی و تربیت اخلاقی با نگاهی به آثار علامه مصباح یزدی، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.

کیانی، سمیه، بختیار نصر آبادی، حسنعلی. ۱۳۹۰، اهداف، اصول و روش های تربیت اخلاقی از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. ش ۱۲.

کیخا، بتول، ۱۳۹۹، تربیت اخلاقی در فضای مجازی، فصلنامه علمی - تربیتی، ش ۱.

گل محمدی، جعفر، بهشتی، احمد، ۱۳۹۰، اعتبارسنجی محرک های دنیوی در نظام اخلاقی اسلام، فصلنامه علمی-پژوهشی و پژوهشنامه اخلاق، ش ۱۴.

مجلسی، محمد باقر، ۱۳۶۲، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲ و ۷۵.

مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۴، نقد و بررسی کاتب اخلاقی، محقق (احمد حسین شریفی)، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ اول.

مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۸، اخلاق در قرآن، محقق (محمد حسین اسکندری)، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱.

مطهری، مرتضی، ۱۳۸۳، مساله حجاب، تهران، صدرا.



موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۷، شرح حدیث حنود عقل و جهل، تهران، موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، چ سوم.

موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۶۱، صحیفه نور، مجموعه رهنمود های امام خمینی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب.

نقوی، لیلا، ۱۳۶۰، تربیت اخلاقی جوان، قم، نشر هاجر، چاپ ۱.



تربیت جنسی کودک و فضای مجازی

مبینا عطر^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف جمع‌آوری و بررسی روش‌ها و نکات تربیتی که والدین باید در تربیت کودک در مقابل چالش‌های جنسی رعایت کرده و مدنظر داشته باشند، از منظر اسلام تنظیم شده است. این مقاله با روش پژوهش اسنادی-کتابخانه‌ای انجام شده و به شیوه توصیفی-تحلیلی می‌باشد و جامعه تحقیق نیز بررسی تربیت جنسی کودک می‌باشد. با مطالعات به عمل آمده درمی‌یابیم که تربیت جنسی یکی از انواع مهم تربیت فرزندان در جوامع بوده که آن‌ها پس از بلوغ مانند همه مردان و زنان بالغ به رعایت چهارچوب‌هایی درباره مسائل جنسی، مکلف می‌شوند. انحرافات جنسی همیشه در کمین فرزندان بوده است و این مسأله در فضای مجازی شدیدتر می‌شود؛ زیرا در حیطه فضای مجازی عوامل مختلفی همچون مشاهده فیلم‌های مبتذل، ارتباطات نامشروع و ... می‌تواند باعث تحریک قوای جنسی فرزندان شده و آنان را از خطوط قرمز شرعی عبور دهد.

واژگان کلیدی: تربیت جنسی، انحرافات جنسی، آموزش مسائل جنسی، غرایز کودک.

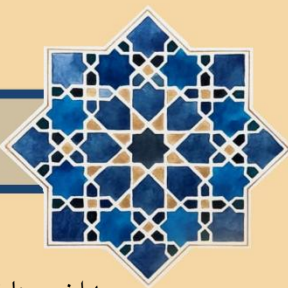
مقدمه و بیان مسئله

یکی دیگر از احکام تربیت و وظایف والدین، تکالیفی است که فقیهان برای عرصه تربیت جنسی در نظر گرفته‌اند. بر اساس فقه اسلامی، روش‌های مراقبتی در تربیت جنسی جایگاه مهمی دارد و فضای خانواده نیز باید از محرک‌های جنسی پاک باشد. یکی از این گونه روش‌ها، جدا کردن رخت خواب بچه‌ها و نیز تمرین اجازه گرفتن هنگام وارد شدن به اتاق خلوت والدین یا فراهم کردن شرایط ازدواج است. (اعرافی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۳۶) همچنین در فضای تربیت رسمی، آموزش مسایل جنسی و شرکت در چنین کلاس‌هایی، احکام روشنی دارد. (حسینی شیرازی، ۱۴۲۸، ص ۴۵۹)

در نهایت به این نتیجه رسیده که والدین نقش بی‌بدیلی در تربیت فرزند از دوران کودکی دارند، لکن این

^۱ دانشجوی رشته فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام پردیس خاوران

Mobina.atr.81@gmail.com



بدان معنا نیست که سعادت و شقاوت هر انسان در گرو عملکرد والدین در دوران کودکی است بلکه آنان تنها زمینه تربیت نیکو و دوری از چالش هایی که فرزند را به شقاوت می رساند آماده میکنند. در منابع اسلامی و تربیتی رهنمودهای گسترده‌ای در باب اصول و مبانی تربیت جنسی کودکان در ابعاد مختلف جسمانی و روحانی بیان شده است. در خصوص اهداف و اصول و روش های تربیت جنسی گرفته تا ایجاد چالش های جنسی و راه های پیشگیری آن نسبت به کودکان در فضای مجازی که هر یک فصلی از تربیت جنسی را تشکیل می دهند.

-تربیت جنسی

مسئله تربیت جنسی از مسائل مهمی است که توجه والدین و سایر متولیان امر تربیت را به خود جلب کرده است. صاحب نظران تربیتی معتقدند که تربیت انسان در زمینه جنسی بخشی از تربیت او را تشکیل می دهد. این گزینه از جمله غرایز طبیعی است که خداوند در وجود حیوان، عموماً و در انسان، خصوصاً قرار داده است. احساس نیاز جنسی در انسان مبتنی بر وجود این گزینه است که باید به صورتی صحیح ارضا شود. والدین نمی توانند نسبت به گزینه جنسی فرزندان خود بی تفاوت باشند و در این باره با بی برنامه گی پیش روند؛ زیرا تربیت جنسی یکی از دشوارترین و حساس ترین انواع تربیت ها است. اندک غفلت و اشتباهی در این باره ممکن است کودکان را به وادی های فساد و تباهی بکشاند؛ لذا به سبب اهمیت بسیار، اکنون به صورت مفصل بدین موضوع می پردازیم.

۱-۱- مفهوم تربیت جنسی

جنس، جمع آن اجناس است و یک کلمه عربی، مصدر جعلی و به معنای حالت و کیفیت جنس است. در اقسام بشر نیز جنس، شامل زن و مرد می شود و جنسیت، به معنای «رجولیت و انوئیت افراد انسانی» است.^۱ دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۶، ص ۱۲۳) گاهی نیز از جنس در معنای لغوی، معنای عام اراده می شود و در واقع به تفاوت های جسمی و روانی دو جنس اشاره دارد و در این حالت جنسیت مورد نظر است و گاهی از جنس در معنای لغوی، معنای خاص اراده می شود که به گزینه جنسی، کارکرد جنسی، بلوغ جنسی، آموزش جنسی و رشد جنسی اشاره دارد. (براهنی، محمد تقی و همکاران، ۱۳۹۶ ش، ص ۱۴) در خصوص مفهوم گزینه جنسی نیز باید گفت: «گزینه، امری درونی و توانایی فطری است که نیاز به یادگیری ندارد؛ بلکه هنگام تولد با انسان یا موجودی



که آن را داراست، همراه است و در راستای تمایل ذاتی به ارضای نیازهای اساسی به خصوص زیستی، او را به فعالیت بر می‌انگیزد».^۱ (ثابت، ۱۳۹۶، ص ۵۳)

منظور از تربیت جنسی این است که زمینه‌ها و عوامل مربوط به مسائل جنسی طوری فراهم شود که استعداد های شخصی در به کمال رسیدن فرد شکوفا شده و او را برای رسیدن به کمال مطلوب یاری رساند؛ در واقع هدف از تربیت جنسی دستیابی فرد به آگاهی‌ها، عادات و آدابى درباره چگونگی اعمال و ارضای غریزه جنسی است که او را برای رسیدن به رشد و هدف مطلوب یاری می‌کند.^۲ (همان، ص ۴۴). تربیت جنسی یعنی زمینه رشد غریزه جنسی طوری باشد که با استفاده از این غریزه از انحرافات و لغزش‌های جنسی جلوگیری شود. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۲۰) تربیت جنسی صرف انتقال اطلاعات در ساحت مسائل جنسی نیست و این خود یکی از فصل‌های تمایز جنسی در اسلام با دیگر مطالب است. در اسلام محور تربیت جنسی، اخلاق جنسی است. تربیت جنسی عبارت است از: «مجموعه آموزش‌ها و ایجاد موقعیت‌ها و زمینه‌سازی‌هایی که فرد را با هدایت و تعدیل غریزه جنسی آشنا کند و با فراهم کردن زمینه‌های رشد شخصیت اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی او را از انحراف و لغزش‌های جنسی مصون داشته و سعادت و کامیابی دنیوی و اخروی او را رقم بزند». (مرویان حسینی، ۱۳۹۵، ص ۳۸) کمالات انسان از راه علم و آگاهی حاصل می‌شود. ناچار وقتی بخواهد در ابعاد دیگر هم او را به کمال برسانند، باید چیزی به او یاد دهند؛ پس تعلیم در ابعاد غیر ذهنی هم مقدمه است؛ ابزار و وسیله‌ای است برای تربیت. (مصباح یزدی، جلسه اول). تربیت جنسی دارای حوزه‌های مختلفی مانند آموزش و اطلاع‌رسانی جنسی، شیوه معاشرت، چگونگی نگاه کردن و صحبت نمودن، نوع لباس پوشیدن و ... است. بخشی از تربیت جنسی به اطلاعات فرد از مسائل جنسی بر می‌گردد که افراط و تفریط در اطلاع‌رسانی در این زمینه باعث به وجود آمدن آسیب‌های متعدد در فرد می‌شود؛ افزون بر آن دوره بلوغ هم برای فرزندان هم برای والدین مرحله نگرانی است. نگرانی فرزندان با نگرانی والدین متفاوت است؛ چون نگرانی فرزندان معلول انعکاس تغییرات بدنی ایشان در حیاتشان است؛ در حالیکه نگرانی والدین این است که خطراتی در کمین فرزندان نهفته است.^۳ (دبس، ۱۳۷۴، ص ۹۲) اصطلاح تربیت جنسی با معانی و رویکردهای متفاوت بیان شده که به برخی از آنها اشاره می‌گردد. تعریف نخست تربیت جنسی به عنوان انتقال افعالات و مسائل جنسی بیان گردیده است؛ از این رو والدین باید از برخی مطالب مرتبط در این خصوص آگاه باشند و اطلاعات مربوط به این حوزه را به فرد منتقل کنند. انسان برخوردار از تربیت جنسی نیز کسی است که



مجموعه‌ای از نیازمندی‌های خود درباره مسائل جنسی را بداند. تربیت جنسی همانند آموزش جنسی در نظر گرفته شده است. در این تلقی رویکرد فرهنگی و اخلاقی به چشم نمی‌خورد و این دیدگاه بیشتر در تعلیم و تربیت سکولار مشاهده می‌شود که تمام هدف آن کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از آزادی جنسی است. در تعریف دوم برخی اندیشمندان، تربیت جنسی تنها به معنای آموزش جنسی دانسته نشده و آن را چنین تعریف نموده‌اند: «فراهم آوردن زمینه رشد غریزه جنسی به گونه‌ای که همراه با استفاده لازم از این غریزه، از انحرافات و لغزش‌های جنسی نیز پیشگیری شود». با اینکه این تعریف هم از جهتی به غریزه جنسی محدود شده است؛ اما نسبت به تعریف اول کامل‌تر است؛ زیرا اگر فرد را با مجموعه‌ای از افعال در زمینه‌ای خاص رها کنیم؛ نه تنها به رشد و کمالش کمکی نشده است؛ بلکه ممکن است داشتن همین اطلاعات جنسی، موج بیدار شدن زود هنگام غریزه جنسی و در نتیجه انحراف او شود. تعریف سوم نیز اینگونه است: «تربیت جنسی یعنی کودک را به گونه‌ای پرورانیم که هنگام رسیدن به دوران بلوغ، حلال و حرام الهی را در مسائل جنسی تشخیص دهد، به وظایف زناشویی و همسری آگاه بوده و از لایبالی‌گری بپرهیزد و راه و رسم عفت اسلامی، خلق و خوی او باشد و در وادی شهوات سرگردان نشود».^۱ بهشتی، ۱۳۹۲، ص ۲۴ تعریف چهارم نیز بدین شکل بیان شده است: «تربیت جنسی به این معناست که فرد در دوره‌های رشد به گونه‌ای پرورانده شود و آموزش ببیند که با جنسیت خود آشنا گردد و آن را بپذیرد؛ قدردان وجود خویش باشد و به آن افتخار کند؛ نقش مذکر یا مونث بودن از لحاظ اجتماعی را بیاموزد و احکام و آداب دینی در ارتباط با مسائل جنسی مربوط به خود و روابط با همجنس و جنس مخالف را فرا گیرد؛ آمادگی روانی برای ازدواج و تشکیل خانواده را پیدا کند؛ با مسائل مربوط به زندگی خانوادگی و روابط با همسر آشنا گردد و در سایه‌ی آن به آرامش برسد؛ به گونه‌ای که عواطف و فعالیت‌های جنسی خویش را در جهت قرب الهی و جلب خشنودی خداوند بکار گیرد.

(محمدی پناه، ۱۴۰۰، ص ۲۲۶)

۱-۲- هدف تربیت جنسی

با توجه به انواع ابعاد می‌توان اهداف تربیت جنسی را به ۳ دسته تقسیم نمود. اولین بُعد برای بیان اهداف تربیت جنسی، بُعد شناختی است که می‌توان به اهدافی چون آگاهی نسبت به جایگاه ازدواج، درک نقش حیا و پارسایی در روابط اجتماعی، شناخت چگونگی تعامل صحیح با جنس مخالف، فهم هویت و نقش جنسیتی اشاره نمود. دومین بُعد، بُعد گرایشی است که می‌توان به اهدافی چون باور به ارزشمندی ازدواج، علاقه‌مندی نسبت به عفت و خویشتنداری، میل به سوی جنس مخالف، ارج نهادن نسبت به او، ذیلش مطلوبیت غریزه



حسی و عدم تخطئه آن اشاره نمود؛ همچنین سومین بُعد، بُعد رفتاری است که با اهدافی مثل اقدام به ازدواج مشروع در بهترین زمان، عفت پیشگی و پارسایی در روابط اجتماعی، رعایت حریم روابط در تعامل با جنس مخالف، جهت‌دهی رفتار در راستای نقش جنسیتی و پاسخ شایسته و مشروع دادن به غریزه جنسی همراه است. در پرتو شناخت است که می‌توان درک صحیحی از شایستگی‌ها و ارزش‌ها داشت و به بایسته‌ها اندیشید و برای رسیدن به آن ارزش‌ها کوشید. یکی از اهداف شناختی بنا بر مبنای ضرورت، پاسخ‌دهی مشروع به غریزه جنسی آگاه نسبت به جایگاه ازدواج است. این آگاهی، باور به ارزشمندی ازدواج را به دنبال دارد و آن باور، در رفتار اثر می‌گذارد و سبب اقدام به این عمل مشروع در بهترین زمان ممکن می‌شود. هدف دیگر در تربیت جنسی، بر مبنای پارسایی و عفت شکل می‌گیرد.^(حاجی زاده، ۱۳۹۹، ص ۲۷۹) از زمانی که نطفه انسان منعقد می‌شود رشد وی با تغییر و تحولات فزاینده یا کاهنده‌ای همراه است و تا مرگ و حتی مدتی بعد از آن هم ادامه دارد. گواه این مدعا آیه ۵۴ سوره روم می‌باشد که مبین تحولات صعودی و نزولی موجود در انسان است؛ «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ؛ خدا آن کسی است که شما را در ابتدا از جسم ضعیف (نطفه) بیافرید آن گاه پس از ضعف و ناتوانی (کودکی) توانا کرد و باز از توانایی (و قوای جوانی) به ضعف و سستی و پیری بر گردانید؛ که او هر چه بخواهد و مشیتش تعلق گیرد، می‌آفریند و او دانا و تواناست».^(سوره روم، آیه ۵۴) جهت تربیت جامع و کامل باید به همه ابعاد رشد توجه شود و تنها توجه به یک بُعد کافی نیست؛ با توجه به اینکه تربیت جنسی یکی از جنبه‌های مهم رشد بوده و تاثیر زیادی بر سایر ابعاد رشدی می‌گذارد؛ نیازمند اهتمام ویژه است.

۱-۳-۱ اصول و روش‌های تربیت جنسی

پیشگیری و کنترل از مهم‌ترین روش‌های مقابله با چالش‌های جنسی هستند که در ادامه به تشریح این روش‌ها خواهیم پرداخت.

۱-۳-۱-۱ راه‌های پیشگیری

پیشگیری در لغت به معنای «جلوگیری، منع و ممنوعیت» آمده است و در اصطلاح به معنای «جلوگیری کردن از وقوع چیزی است که مطلوب نمی‌باشد». امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند: «الحمیه راس الدواء؛ پیشگیری در راس همه دارو و درمان‌هاست».^(مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۶۲، ص ۱۴۲) و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می‌فرمایند: «الحمیه اصل الدواء؛ پیشگیری اصل و اساس درمان است»؛ یعنی پیش از رخ دادن مشکلی از تحقق آن جلوگیری کنید.

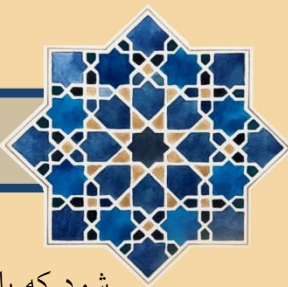


الف: آموزش مسائل جنسی

والدین موظف هستند تمام اطلاعات پیرامون مسائل جنسی را به فرزندان خود منتقل کنند. کودکان قبل از رسیدن به سن بلوغ به طور طبیعی علاقه‌مند به کسب معلومات جنسی هستند؛ والدین این بین موظفند آگاهی‌های لازم غیر تحریک‌کننده را به ایشان بدهند. فرضاً باید دختران قبل از حیض شدن اطلاعاتی راجع به بلوغ و مواردی که دختر با آن دست به‌گریبان است، به دست آورند تا در زمان قرارگیری در آن موقعیت، بدون ترس و نگرانی با آن رو به‌رو شوند. در منابع اسلامی آیات و روایاتی وجود دارد که متکفل تبیین شیوه صحیح آمیزش جنسی است و در واقع شیوه آمیزش صحیح را به انسان می‌آموزد؛ لذا والدین باید نسبت به دادن این اطلاعات به فرزندان‌شان خجالت نکشند و یا از انجام این کار سر باز زنند. فرزندان بالاخره ظرف اطلاعات جنسی‌شان پر خواهد شد ولی چه بهتر که افراد معتمد و شایسته این اطلاعات را منتقل کنند. برخی از والدین اطلاعات کمی درباره مسائل جنسی دارند و در مورد امراضی که دستگاه تناسلی را تهدید می‌کند بی‌اطلاع هستند یا به سبب شرم و حیایی که بین والدین و فرزندان است، فرزندان کمتر از مسائل جنسی پرسش می‌کنند و والدین هم نمی‌توانند آنچه درباره مسائل جنسی می‌دانند به فرزندان خود منتقل کنند. نباید فرزندان را در این زمینه به حال خود رها کرد؛ بلکه باید آن‌ها را از دگرگونی‌ها و تحولات جنسی، جسمی و روحی این دوره آگاه نمود؛ زیرا در صورت غفلت والدین نسبت به امر آموزش مسائل جنسی به فرزندان، زمینه به وجود آمدن برخی آسیب‌ها فراهم خواهد شد. شیوه آگاه کردن فرزندان نسبت به مسائل جنسی به دو صورت امکان‌پذیر است؛ ارتقای دانش جنسی قبل از طرح سوال از طرف فرزندان و ارتقای دانش جنسی از طریق پاسخ‌گویی به سوالات جنسی. (غزالی، ۱۳۶۶ ش، ج ۳، ص ۱۸۴) در خصوص شیوه آموزش نیز باید دانست که آموزش امری ضروری است ولی باید توجه کرد که به صورت ناخواسته زمینه بلوغ زودرس، کنجکاوی‌های جنسی و در نتیجه انحراف و لغزش برای فرزندان فراهم نشود. سطح تحریک‌کنندگی مسائل جنسی یکسان نیست؛ لذا آن چیزی که تحریک‌کنندگی بالایی دارد به صورت غیرمستقیم آموزش داده می‌شود و در این زمینه سطح درک و فهم فرزندان هم مورد توجه قرار می‌گیرد. در جهت تربیت جنسی کودکان باید کاری کنیم که از زمان رسیدن به سن تمییز و درک شخصیت خویش، بدانند که برای حفظ شرف خود باید چگونه موضع بگیرند. اغلب سوالات جنسی کودکان به گونه‌ای نیست که نتوان به آن‌ها جواب داد. شاید نخستین موضوعی که تا مدت‌ها ذهن کودکان را مشغول می‌دارد تفاوت پسر و دختر و فرق بین آلت جنسی آن‌ها باشد. یک پسر بچه خردسال به خوبی می‌فهمد که با یک دختر بچه از جهت آلت تناسلی تفاوت دارد؛ اما از سر آن آگاه نیست. گاهی خودش را ناقص می‌پندارد، گاهی دختر بچه را. او میل دارد بفهمد که چرا چنین شده است؛ به



همین جهت ممکن است از پدر و مادر در این باره سوال کند. بر پدر و مادر لازم است که صریحاً به او بگویند که همه پسرها همین طور آفریده شده‌اند و داشتن این عضو برایشان نقصی نیست؛ به واسطه همین عضو است که پسرها بعداً پدر خواهند شد. همه دخترها هم همین طور آفریده شده‌اند و در خلقت نقصی ندارند و به واسطه همین عضو است که دخترها بعداً مادر می‌شوند. هم مادر لازم است و هم پدر؛ ممکن است کودک سوال کند «نی‌نی کوچولو قبلاً کجا بوده و از کجا آمده است؟» در این جا پدر و مادر می‌توانند پاسخ دهند «مدتی در شکم و یا رحم مادر زندگی می‌کرد؛ بعداً بیرون آمد». ممکن است بپرسد «از کجا بیرون آمد می‌توان پاسخ داد که زیر شکم مادر راهی است که بچه می‌تواند از آن جا بیرون بیاید». می‌توان محل خروج را به وسیله یک عروسک نشان داد. ممکن است بگوید چگونه در شکم مادر به وجود آمد؟ می‌توان پاسخ داد: «تخمک بسیار کوچکی در رحم مادر به وجود می‌آید و تدریجاً بزرگ می‌شود تا یک بچه کامل گردد؛ آن گاه از شکم مادر خارج می‌شود». در این قبیل سوالات صلاح نیست که والدین مسائل پیچیده زناشویی را به میان آورند و مطالبی را بگویند که کودک برای فهم آن‌ها کاملاً آمادگی پیدا نکرده است. تصور نکنید که می‌خواهد همه حقایق را بفهمد. او به مقداری که سوال می‌کند طالب فهم است، نه بیشتر.^۱ امینی، ۱۳۷۸ ش، ص ۳۴۶ و ۳۴۷. هنگامی که فرزند به حد بلوغ رسید و احساس شد که غریزه جنسی او تا حدی بیدار گشته است و در معرض انقلاب و دگرگونی است، می‌توان به مناسبت یکی از سوالات، رشته سخن را در دست گرفت و گفت: «می‌دانم اکنون تو به حالی رسیده‌ای که شاید اینگونه افکار در مغزت وارد شود. گاهی حالت تحریک به تو دست می‌دهد و میل داری که با شخص دیگری لمس نمایی. می‌خواهی کسی تو را دوست داشته باشد، تو هم او را دوست داشته باشی. بعضی‌ها را بیش از حد دوست داری. هیچ مانعی ندارد و همه پسران و دختران وقتی به این سن می‌رسند چنین حالاتی برایشان دست می‌دهد. این‌ها مقدمه پدر و مادر شدن است. تو دیگر می‌خواهی پدر شوی. همه پسران باید بعد از بزرگ شدن زن بگیرند و عروسی کنند تا خانواده تشکیل بدهند و پدر شوند. اگر با دختر نجیب، خوش اخلاق، دیندار و زیبایی ازدواج کنی سعادتمند خواهی شد. زندگی خانوادگی خیلی شیرین و زیباست؛ اما شرایط زندگی و تحصیلات تو اکنون به تو اجازه عروسی را نمی‌دهد ... مواظب باش قبل از ازدواج به دام‌های فساد نیفتی. استمنا برای بهداشت و سلامتی جسم و جان انسان ضرر دارد و از گناهان بزرگ به شمار می‌رود؛ سپس باید عواقب و خطرات انحراف‌های جنسی را برایش تبیین کرد». همان، ص ۳۴۷ و ۳۴۸. در رابطه با دختران نیز می‌توان به همین صورت به گونه‌ای مناسب مسائل بلوغ جنسی را مطرح کرد. موارد مذکور تماماً نشان می‌دهد که پدر و مادر باید بدون پرده‌پوشی با فرزندان خود صحبت کنند و از صحبت با او طفره نروند؛ نباید جواب‌هایشان خلاف واقع و نادرست باشد و باید سعی کنند موارد درست را با بیان کودکانه و قابل فهمی بیان کنند؛ البته نباید مطالب به گونه‌ای بیان



شود که باعث بیدار شدن گزینه جنسی آن‌ها شود. نکاتی که در رابطه با پاسخ دادن به سوالات جنسی باید رعایت شود:

- ۱- تناسب جواب با سطح درک شخص سوال کننده: در همه زمینه‌های تعلیم و تربیت، رعایت تناسب بین فهم فرد تحت تعلیم و آن چیزی که باید بیاموزد الزامی است.
 - ۲- نفرت‌انگیز نبودن جواب: جوابی که به سوال داده می‌شود نباید به گونه‌ای باشد که موجب تنفر سوال کننده و بی میلی او در پرسش جنسی شود؛ به عبارتی باید به گونه‌ای پاسخ داده شود که کودک و نوجوان جرئت طرح سوالات جنسی خود را بیابند.
 - ۳- عادی برخورد کردن با سوال کننده: هنگامی که در رابطه با مسائل جنسی سوال می‌شود؛ طوری نباید برخورد شود که گویا مسأله عجیب و غریبی اتفاق افتاده است؛ زیرا همین امر باعث می‌شود فرد به طور غیر مستقیم به مسائل جنسی حساس شود.
- همچنین نکات لازم الاجرا در آموزش جنسی بدین شرح است:

- ۱- حفظ حرمت و عدم پرده‌داری در بیان مسائل جنسی: محتوای این آموزش و ادبیات آن‌ها مبتنی بر هدایت است و باید به رعایت ادب و حرمت اخلاقی و کرامت انسانی در آن‌ها توجه شود؛ از این رو والدین باید در بیان مسائل جنسی، حکمت، ظرافت و لطافت را از یاد نبرند و آداب اسلامی را در گفتار و رفتار و آموزش‌های خویش رعایت نمایند؛ برای مثال آموزش‌های جنسی را با ذکر آیات الهی و عظمت و زیبایی خلقت بیان کنند. از سوی دیگر، باید در انتخاب واژه‌ها و کلمات دقت حداکثری را داشته باشند. (خواندن و بیان کردن سیره و سنت معصومین علیهم السلام روش دیگری است که ضمن رعایت حریم‌ها مطالب لازم را به مخاطبان منتقل می‌کند).
- ۲- اکتفا به حداقل و قدر کفایت: به علت اینکه طرح مسائل جنسی موجب تحریک گزینه جنسی می‌شود باید در بیان آن از ذکر تفصیلی خودداری کرد و به اندازه‌ای که پاسخ مبهم نباشد و سوال به جای خود باقی نمانده باشد اکتفا کرد.
- ۳- کلی گویی کردن: می‌توان به برخی سوالات به صورت کلی پاسخ داد و لازم نیست هنگام جواب دادن به جزئیات امور پرداخت.
- ۴- زمینه‌سازی برای پاسخ: بعضی از سوالات به گونه‌ای هستند که بدون مقدمه‌چینی نمی‌توان به آن‌ها پاسخ گفت و ممکن است باعث انحراف فکری سوال کننده شود؛ بدین جهت والدین باید با دقت و حوصله به سوال توجه کنند و از به کار بردن صریح کلمات و جملاتی که ممکن است به مشغولیت فکری طرف مقابل بینجامد خودداری کنند.



۵- همجنس بودن تعلیم دهنده و تعلیم گیرنده در حد امکان: آموزش مسائل جنسی به ویژه به وسیله جنس مخالف تحریک کننده است و موجب آشفتگی شخصیتی فرد می شود؛ لذا شایسته است که افراد ناهمجنس به این امر اقدام نکنند. به عبارت دیگر، شایسته است آموزش مسائل جنسی به دختران را مادران و آموزش پسران را پدران عهده دار شوند.

۶- رعایت تدریج: در تربیت باید مسأله تدریج را رعایت کرد؛ لذا در زمینه تربیت جنسی توجه به این اصل و ارائه تدریجی آموزش های لازم با توجه به سطح درک و فهم تعلیم گیرنده ضروری است.

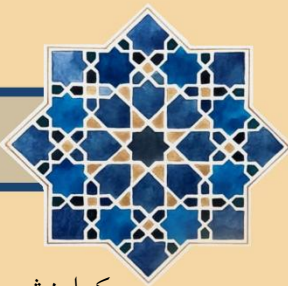
۷- بهره برداری از زندگی و وقایع آن: در محیط زندگی، حیوانات نیز مانند انسان با پدیده جنسی سر و کار دارند؛ لذا می شود بعضی از حیوانات را در خانه نگه داری کرد تا فرزندان به طور طبیعی با نحوه زندگی جنسی آشنا شوند و از چگونگی تولید مثل سر در آورند و از این راه به صورت تدریجی بخشی از دانش جنسی خود را کامل کنند.

۸- طرح مسائل جنسی همراه با تقویت روحیه معنوی در فرزندان: والدین باید در هنگام طرح این مسائل به این نکته توجه کنند که هدف اصلی و عالی زندگی برای انسان قرب به خداست و باید این موضوع را برای فرزندان مطرح کرده و روح معنویت را در ایشان زنده کنند.

۹- جواب در قالب مفاهیم دینی: آموزش های جنسی در اسلام کاربردی و جزئی نگر و در عین حال پایبند به مبانی کلی و اصول و قواعد است. اسلام در کنار ارائه راهکارها بر استفاده از باورهای دینی و تاثیر متقابل اعتقاد بر رفتار تاکید می کند؛ (مرویان حسینی، ۱۳۹۵، ص ۴۱). در نتیجه والدین باید مستنداً و مستدلاً از معارف دینی جهت پاسخ استفاده نمایند.

ب: توجه به عزت و کرامت انسانی خود

در روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده است: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَتُهُ؛ هر کس برای خودش بزرگی و کرامت قائل باشد، شهوت برایش پست می شود». (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۷۱ و ۱۳). هر کس برای خودش شأن و شخصیتی قائل شود حاضر نیست به سادگی آن را از دست بدهد و در روح خود آن قدر احساس عزت و بزرگی می کند که حتی فکر انجام گناه او را آزار می دهد و زیر بار شکست نفس خود نمی رود. به عبارت دیگر، توجه به عزت و کرامت خود می تواند انسان را از آلوده شدن به گناه مصون دارد. حال اگر نگرش درستی نسبت به بلوغ و مسائل آن برای نوجوان و جوان شکل نگیرد و در نتیجه آن را



کم ارزش و یا بی ارزش قلمداد کند، زمینه گرایش به بزهکاری و انحرافات جنسی در او فراهم می شود.

ج: توجه به ارزش ها

دوران بلوغ و ایام جوانی دوره توجه شدید به ارزش اشیاء و زیبایی های زندگی در شئون مختلف مادی و معنوی است. اخلاق نوجوان و جوان بر معیار ارزش ها توسعه می یابد و شخصیت آنان بر همان اساس رشد می کند.

د: استمداد از خداوند و اهل بیت علیهم السلام

توجه به خدا و اهل بیت علیهم السلام به نوبه خود ایمان را تقویت کرده و باعث می شود فکر گناه به ذهن انسان خطور نکند؛ افزون بر آن سبب می شود انسان متوجه خود شده و به خود آید و با احساس شرم و حیا در برابر آن بزرگواران، از لغزش محفوظ ماند.

۱-۳-۲- راه های کنترل

کنترل در لغت به معنای «نظارت، بازرسی و رسیدگی» است و در اصطلاح به معنای «بازداشتن ارادی یک انگیزه یا تمایل و مقاومت در برابر اشباع آن در شرایط نامناسب است؛ اما به معنای عدم پذیرش نیست». کنترل نفس ابعاد گوناگونی دارد که در این گفتار قصد پرداختن به روش هایی برای کنترل میل جنسی را داریم.

الف: تعدیل

خواهش های نفسانی انسان دو جنبه دارد؛ یکی به جنبه فیزیکی انسان مربوط است و سیری پذیر؛ اگرچه از جهت دیر یا زود ارضا شدن در زمان های گوناگون، فراز و نشیب دارد. دیگری به روح انسان باز می گردد و میل او، بی نهایت بوده و سیری ناپذیر و پایان ناپذیر است. این موضوع به جنبه کمال جویی انسان بر می گردد. انسان ذاتاً کمال طلب است و عطش او به دستیابی به چیزهای پایدار نه تنها کم نمی شود؛ بلکه روز به روز افزون می گردد؛ البته همواره این کمال طلبی خوب نیست و گاهی می تواند خود عاملی جهت انحراف و تعدی فرد باشد؛ از این رو در آیین های مذهبی و قوانین اجتماعی، مقررات و دستوراتی در جهت جلوگیری از تعدی انسان ها به یکدیگر وضع شده است. با بررسی آیات و روایات به این نتیجه می رسیم که خداوند شهوت ها و



غرایز و امیال را بنا به مصالحی در وجود انسان قرار داده است؛ از این رو نباید به کلی سرکوب شوند؛ اما از طرف دیگر، نباید در استفاده از آن‌ها زیاده‌روی کرد و باید در بهره‌برداری از آن‌ها حد وسط را رعایت و از افراط و تفریط اجتناب ورزید.

ب : کنترل حواس ظاهر و باطن

به همان صورت که حواس ظاهر نقش مهمی در تحریک میل جنسی دارند، فکر و خیال‌پردازی نیز دارای نقش مهمی در تحریک میل جنسی هستند؛ در برابر آن یاد خدا در دور کردن افکار شیطانی و نفسانی در خواب و بیداری نقش مهمی دارد؛ لذا باید تمهیداتی فراهم شود که افراد تحت تربیت از فکر و خیال منفی رها شوند و دائماً به یاد خدا باشند. حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: «مَنْ كَثَرَ فِكْرُهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ إِلَيْهَا؛ هر کس که فکرش در گناه زیاد شد، (این کار) او را به معاصی می‌کشاند» (محدث، ۱۳۴۶، ج ۱، ش ۶۶۴) از لحاظ تخیل، کودک همواره در زمان حال زندگی می‌کند؛ اما نوجوان می‌تواند زمان گذشته و آینده را نیز درک کند و آن‌ها را به هم ربط دهد. گاهی آنقدر قدرت تخیل او بالاست که متوجه نمی‌شود چه چیزی در واقعیت رخ داده و چه چیز برگرفته از قوه تخیل اوست. آن چیزهایی که به واسطه حواس ظاهری انسان درک می‌شود؛ مواد خام قوه خیال را شکل می‌دهند. کنترل مجاری حواس ظاهر برای مهار قوه خیال ضرورت دارد.

۱-۴-۱- چالش‌های تربیت جنسی در فضای مجازی

برنامه‌های مهیج که امروزه با بروز و ظهور فرآورده‌های جدید هنری و توسعه رسانه‌های گروهی رو به گسترش است، زمینه‌ساز انحرافات جنسی جوانان می‌باشد. آن چیزهایی که به واسطه حواس ظاهری انسان درک می‌شود؛ مواد خام قوه خیال را شکل می‌دهند. کنترل مجاری حواس ظاهر برای مهار قوه خیال ضرورت دارد؛ فضای مجازی نیز یکی از مهم‌ترین عواملی است که خیال‌پردازی در امور جنسی را تشدید می‌کند.

۱-۴-۱-۱- طرق مختلف ارضای جنسی

فرزندانی که از طریق استفاده نادرست از فضای مجازی دچار تحریکات جنسی شوند، هنگام تماس با بدن افراد زمینه لغزش برایشان فراهم است. آنان به طرق مختلف دنبال پاسخ‌دهی به نیاز جنسی خود هستند؛ به طور مثال این فرزندان هنگام بوسیدن و یا نگاه کردن به افراد دیگر که از نظر ظاهری هم زیبا هستند تحریک



می شوند و برخی دیگر با گوش دادن به نوار تحریک کننده، گفتن و شنیدن شوخی های جنسی و ... سعی در ارضای نیاز جنسی خود دارند.

۱-۴-۲- میل به خودارضایی

یکی از مسائلی که روان شناسان و متخصصان امور تربیتی آن را به عنوان یک رفتار غلط و ناهنجار جنسی - روانی بازگو می کنند مسأله خودارضایی است که دین اسلام مرتکبین این عمل را از ملعونین الهی معرفی می کند؛ به طوری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «کسی که با دستمالی با آلت خود به ارضای جنسی می پردازد، ملعون است».^(۱) نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۳۵۶. به طور کلی، در صورت عدم ارضای نیاز جنسی انسان به صورت صحیح که تنها با ازدواج محقق می شود؛ این عامل می تواند زمینه تمایل فرد به ارضا از راه های دیگر را فراهم کند. یکی از ابزارهایی که می تواند در تحریک میل جنسی نقش داشته باشد شبکه های اجتماعی است که در خود این شبکه های اجتماعی نیز عوامل محرک غریزه جنسی مانند دیدن فیلم ها، عکس های مبتذل و سکسی، صحنه های شهوت زنا و ضد عفاف، چشم چرانی، شنیدن های مهیج و رکیک، جوک ها و شوخی های جنسی، شنیدن موسیقی های مبتذل و ترانه های فاسد و وجود دارد که تاثیر خود را بر فرزندان خواهند گذاشت. ^(۲) ثابت، ۱۳۹۶، ص ۱۵۸. در مورد حکم فقهی این عمل باید گفت که از گناهان کبیره و حرام شمرده شده است. ^(۳) نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۱، ص ۶۷۴. آیت الله اردبیلی از فقهای معاصر در این باره می گویند: «هیچ اشکال و اختلافی بین اصحاب در مورد حرمت این عمل نیست و مستند این حکم؛ علاوه بر روایات این آیه از قرآن کریم است». «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ؛ و آنان که فروج و اندامشان را از عمل حرام نگه می دارند مگر بر جفت هایشان یا کنیزان ملکی متصرف آن ها که هیچگونه ملامتی در مباشرت با این زنان بر آن ها نیست و کسی که غیر از این زنان حلال را به مباشرت طلبد؛ البته ستمکار و متعدی خواهد بود». (سوره مومنون، آیه ۷-۵).

با این توضیح مشخص می شود که خودارضایی از مصادیق اعمال فرا زناشویی است. ^(۴) موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۲۲۸. شهید ثانی در این رابطه می فرماید: «تعبیر ارضا با دست که در بعضی از روایات مربوط به استمناء آمده است؛ موضوعیت ندارد؛ بلکه اخراج منی با سایر جوارح خود فرد یا جوارح فرد دیگر از غیر طریق وطی و یا به وسیله جمادات دیگر مانند اینکه آلت خود را داخل جسمی بکند که شبیه فرج است؛ این ها همه داخل در استمناء می باشند». (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۳۳۱).



۱-۴-۳- میل به همجنس خواهی

انسان دو جنس است؛ مذکر و مؤنث و غالباً ممکن است نسبت به همجنس خود میل جنسی پیدا کند و به این میل، همجنس خواهی می‌گویند؛ لذا تنها دو نوع همجنس خواهی بیشتر وجود دارد. به ارتباط جنسی دو مذکر با یکدیگر لواط گویند. با استناد به منابع اسلامی متوجه می‌شویم این انحراف از زمان قوم لوط شروع شده است؛ قرآن کریم می‌فرماید: «وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ إِنَّكُمْ لَأَتَأْتُونَ الرَّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ ۚ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ» و لوط را (به رسالت فرستادیم) که به قوم خود گفت: آیا عمل زشتی که پیش از شما هیچ کس بدان مبادرت نکرده به جا می‌آورید؟! شما زنان را ترک کرده و با مردان سخت شهوت می‌رانید! آری شما قومی (در فساد و بزهکاری) اسرافکارید.»^۱ اعراف، آیه ۸۰ و ۸۱) با استناد به این آیه، ریشه این انحراف قانع نبودن به مقدار مورد نیاز و اسراف است. در مورد معنای دقیق فقهی لواط باید گفت که عده‌ای از فقها آن را شامل دو قسم ایقاب و غیر ایقاب مانند تفخیز و ... می‌دانند؛ در مقابل افرادی همچون صاحب جواهر معتقد هستند که اطلاق لواط بر غیر ایقاب گویی مجاز است. همان، ۱۳۹۵، ص ۱۱۴). در روایتی امیرالمومنین علیه السلام این طور می‌فرماید: «لواط ارضای جنسی مرد با مرد بدون نزدیکی با اوست و نزدیکی در مقعد کفر محسوب می‌شود». درباره این موضوع مرحوم لنکرانی می‌گویند: «مراد از ایقاب مرتبه کامل لواط است و حسب روایات و کلمات اصحاب، این تعمیم و اطلاق صحیح است و مجالی برای ادعای مجاز بودن اطلاق لواط نسبت به تفخیز و غیر آن نیست. فقهای امامیه با استناد به این روایات، حرمت لواط (همجنس بازی) را از ضروریات دین و آن را از محرماتی دانسته‌اند که تمام شرایع آسمانی بر آن متفق اند.^۲ لنکرانی، محمد، ۱۴۲۱ق، ص ۲۴۸) به ارتباط جنسی دو مؤنث با یکدیگر مساحقه گویند. حال باید بدانیم ممکن است فرزندان در اثر عواملی میل جنسی در آنان تحریک شوند و به جهت ارتباط بیشتر آنان با همجنس خود، در پی رفع ارضای نیز جنسی خود به وسیله همجنسان خود باشند.

۱-۴-۴- عدم توجه به اهمیت بستر خواب

بستر خواب فرزندان می‌تواند یکی از عوامل مهم ایجاد انحرافات جنسی در آنان باشد. چنانچه بستر خواب فرزندان زیاد از حد گرم و نرم باشد زمینه بروز خودارضایی را برای آنان فراهم می‌کند. از سوی دیگر، رفتن به بستر خواب با وجود عدم خستگی، غلطیدن بی حساب در بستر، مشاهده صحنه‌های سکسی پیش از خواب،



عدم تخلیه بول و مدفوع قبل از خواب، عدم جدایی بستر خواب فرزندان از یکدیگر و ... زمینه فکر و خیال‌های جنسی را در آنان فراهم می‌آورد و منجر به شکل‌گیری چالش‌های متعددی در حیطه جنسی خواهد شد. (ثابت، حافظ، ۱۳۹۶، ص ۱۵۶).

۱-۴-۵- تاثیر رسانه بر پوشاک

فرزندان با مشاهده تبلیغات و آگهی‌های مرتبط به انواع پوشاک به خصوص پوشاک مورد استفاده توسط سلبریتی‌ها، به استفاده از لباس‌های نامتعارف اعم از لباس‌های تنگ و چسبان با رنگ‌های تحریک‌کننده تشویق می‌شوند و این خود عاملی برای تحریک‌گریزه جنسی آنان و بقیه افراد در جامعه خواهد شد.

۱-۴-۶- عدم آرامش و سکون

با گسترش فضای مجازی، دوستی‌ها و ارتباطات مجازی میان دختران و پسران شکل گرفته است و همین امر زمینه به وجود آمدن نیازهای جنسی را در آنان بیش از پیش فراهم نموده است؛ از طرفی شکل‌گیری هرگونه نیاز در انسان موجب به هم خوردن تعادل فیزیولوژیکی و روانی وی و ارضای آن نیز باعث تعدیل تعادل از دست رفته می‌شود؛ از این رو با شکل‌گیری نیاز جنسی در انسان آرامش و قرار موجود به هم می‌خورد و با ارضای نیاز جنسی دوباره تعادل نسبی به دست می‌آید و فرد به آرامش و سکون می‌رسد. حال این افراد با ارتباط بیشتر با جنس مخالف در پی رفع نیاز خود می‌روند و گاهی به عمل زشت زنا دچار می‌شوند که در قرآن کریم نیز بدان اشاره شده است؛ «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْا ۙ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (اسراء، آیه ۳۲). و هرگز به عمل زنا نزدیک نشوید، که کاری بسیار زشت و راهی بسیار ناپسند است». باید دانست عمل زنا نه تنها مورد قبول اسلام نبوده و منجر به آرامش و سکون افراد نمی‌شود؛ بلکه از دسته‌ی گناهان کبیره است و آثار وضعی بسیاری را با خود به همراه دارد. بنا بر گفته‌های اسلام، ازدواج و تشکیل خانواده است که راه رسیدن به آرامش و سکون را هموار می‌سازد و افراد به جای برقراری دوستی‌های مجازی و بی‌ثمر باید در پی پیوندی مقدس و دائمی باشند.



۱-۴-۷-تاثیر روابط زناشویی با توجه به فضای مجازی

فضای مجازی و تولید برنامه‌ها و محتویات ضد اسلامی فعال‌کننده قوه شهوت باعث شده است که حریم روابط زناشویی در هم بشکند و این روابط به صورت عادی جلوه‌گر شود. این مسأله آسیب زیادی بر فرزندان خانواده خواهد زد؛ زیرا اگر والدین هنگام روابط زناشویی آداب و حریم را حفظ نکنند و در مقابل دیدگان فرزند عمل زناشویی را انجام دهند باعث می‌شود که غریزه جنسی فرزند تحریک شده و به لحاظ ذهنی در حیطه مسائل جنسی در معرض خطر قرار گیرد.

۱-۴-۸-تشبیه به جنس مخالف

از جمله ناهنجاری‌های جنسی که در اثر استفاده نادرست از فضای مجازی ممکن است برای نوجوانان و جوانان به وجود آید تمایل به داشتن ویژگی‌های جنس مخالف است. این رفتار یعنی نارضایتی جنسی که به عنوان یک اختلال در هویت جنسی شناخته می‌شود.^(۱) اسلامی نسب، علی، ۱۳۷۹، ص ۴۴. اثر حیات جنسی در انواع مختلف رفتار نوجوانان دیده می‌شود و وقتی این امر را از سایر جنبه‌های فعالیت او جدا کنیم خطر این است که افکار وسواسی و وحشت‌های دوره بلوغ در او پرورش یابد؛ حتی کودک هم، نوعی فعالیت جنسی از خود نشان می‌دهد که هنوز رنگ تناسلی ندارد و نادیده انگاشتن آن، با خطر جدی همراه است.^(۲) دبس، ۱۳۷۴، ش، ص ۱۰۰.

۱-۴-۹-عدم محدودیت در فضای مجازی

بوسیدن دیگری باید دارای چارچوب و ضوابطی باشد که از این راه زمینه لغزش به وجود نیاید. زن و شوهر هیچ محدودیتی در این زمینه ندارند و محارم بدون قصد لذت می‌توانند یکدیگر را ببوسند، چه افراد همجنس و چه غیر همجنس؛ ولی افراد دیگر اگر غیر همجنس باشند، حق بوسیدن یکدیگر را ندارند چه با قصد لذت و چه بدون آن و افراد همجنس تنها در صورت عدم وجود قصد لذت می‌توانند یکدیگر را ببوسند. این اعمال غالباً تحریک میل جنسی را همراه دارد؛ در نتیجه اجتناب از آن لازم است. حال آنکه با توجه به وسعت فضای مجازی و وجود تصاویر و فیلم‌های مبتذل که شامل محتویاتی؛ همچون بوسیدن و در آغوش کشیدن در روابط جنسی است، می‌تواند باعث بیدار شدن میل جنسی در کودکان شده و این میل بیدار شده آنان را بدین سوء هدایت می‌کند که افراد را اعم از محارم یا غیر محارم با قصد لذت ببوسند و همین امر زمینه انحرافات جنسی را در آنان فراهم خواهد کرد.



۱-۴-۱۰- تاثیر تغذیه بر خودارضایی

گسترده‌گی فضای مجازی و ورود آن به تمام حیطه‌های زندگی بسیار مشهود است. یکی از مسائلی که پیشروی کاربران آن قرار گرفته است پست‌هایی است که در ارتباط با غذاهای متنوع و ناسالم به نمایش گذاشته می‌شود و به نوعی کاربران را جذب مصرف چنین غذاهایی کرده و در واقع مصرف غذاهای پرکالری را افزایش می‌دهد. نوجوانان و جوانان با مشاهده چنین غذاهایی به سمت مصرف آن‌ها تمایل پیدا کرده و سبک تغذیه‌ای آنان از سالم به ناسالم تغییر می‌یابد. در حالیکه آن‌ها نمی‌دانند همین مصرف غذاهای پرکالری و ناسالم می‌تواند زمینه انحرافات جنسی و کشش آنان را به سمت خودارضایی فراهم کند. (ثابت، ۱۳۹۶، ص ۲۲۱).

۱-۴-۱۱- امراض جنسی ناشی از روابط نابهنجار جنسی

وقتی فرزندان در فضای مجازی دائماً به تماشای صحنه‌های سکسی و غیر متناسب با سنشان بپردازند میل جنسی در آنان تحریک شده و زمینه بروز انحرافات جنسی در آنان را فراهم می‌کند. به مرور زمان این افراد با ایجاد روابط جنسی نامشروع سعی در ارضای میل تحریک شده دارند که این امر می‌تواند باعث ایجاد بیماری‌ها و مشکلات جنسی؛ همچون ایدز، سوزاک، تبخال، کلامیدیا، سیفیلیس، شپش تناسلی و شود.

نتیجه‌گیری

کودکان و نوجوانان به عنوان یکی از مهمترین و در عین حال آسیب پذیرترین اقشار جامعه همواره به نحو جدی در معرض انواع بزه دیدگی و صدمات جبران ناپذیر جسمی، روانی، اجتماعی و... قرار داشته‌اند و به لحاظ شرایط ویژه و کاربرد وسیع فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات در عصر حاضر، بیش از هر زمان دیگر در معرض خطر قرار گرفته‌اند. نتیجه این امر، تایید و تاکید نظام‌های حقوقی و اجتماعی مختلف، اعم از داخلی و بین‌المللی بر اصل لزوم حمایت ویژه از کودکان و نوجوانان است. تحولات همه جانبه عصر حاضر در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، جرم‌شناسی و... در پیوند با آموزه‌های مذهبی و تلاش‌های مستمر مصلحان اجتماعی و فرهیختگان منجر به انقلاب عظیمی در نگرش به جایگاه کودکان و نوجوانان شده و گشایش افقی جدید از لزوم حفظ کرامت انسانی، حمایت از ابعاد مختلف حقوق کودک و نوجوان و حریم خصوصی آنان، به عنوان سرمایه گرانبهای حال و آینده آنها از جمله اموری هستند که در قلمرو فضای مجازی، زمینه ساز بزه دیدگی کودکان و نوجوانان از طریق نقض حقوق آنها می‌شود.



قرآن کریم

ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۳.

ابن فهد حلی، احمد بن محمد، ۱۴۰۷ق، المذهب البارع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۵.

اسلامی نسب، علی، ۱۳۷۹، تربیت جنسی کودک از دیدگاه علم و اسلام، تهران، نسل نو اندیش.

اعرافی، علیرضا، ۱۳۸۹/۲/۱۴، درس خارج فقه تبتی، www.eshia.com.

اعرافی، علیرضا، ۱۳۹۵، فقه تربیتی (مبانی و پیش فرض ها)، قم، موسسه اشراق و عرفان، ج ۱، چ ۳.

بهشتی، احمد، ۱۳۹۲، اسلام و تربیت کودکان، تهران، امیر کبیر.

ثابت، حافظ، ۱۳۸۷، تربیت جنسی در اسلام. قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی ره.

حاجی زاده، مرتضی و دیگران، ۱۳۹۹، طراحی الگوی اسلامی تربیت جنسی برای کودکان با رویکرد فقهی، فصلنامه تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۵۲.

حسینی شیرازی، سید صادق، ۱۴۲۸ق، الف مساله فی بلاد الغرب، بیروت، دارالعلوم، موسسه الامامه.

شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۰ق، الروضه البهیة، قم، داوری، ج ۹.

شیرازی فرع، مصطفی و دیگران، ۱۳۹۵، بررسی احکام فقهی در زمینه تربیت جنسی، فصلنامه علمی - ترویجی، ش ۳۳.

صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر، ۱۴۰۴ق، جواهر الکلام، بیروت، داراحیاء التراث، ج ۴۱.

فاضلی، سمیه سادات، شیر کوند مقدم، وجیهه، ۱۴۰۱، راهکار های تربیت جنسی فرزندان در خانواده، پژوهش های اسلامی جنسیت و خانواده، ش ۹.

فاضل لنکرانی، محمد، ۱۴۲۱ق، تفصیل الشریعه، قم، مرکز فقهی ایمة اطهار.

فقیهی، علی نقی، ۱۳۸۷، تربیت جنسی از منظر قرآن و حدیث، قم، دارالحدیث..

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، الکافی، قم، دارالحدیث للطباعة والنشر، ج ۵.



مراقب این جوانه باش!

فاطمه زهرا خسروآبادی^۱

در زمانه ای که ارتباطات گسترده و فراوان شده است، لزوم الگوی تربیتی که برخاسته از دین مبین اسلام باشد بیش از گذشته به چشم میخورد؛ بنابراین برآن شدیم تا با نگاهی گذرا از ضرورت و اهمیت این کار و ابعاد مختلف آن پرده برداریم.

ضرورت و اهمیت تربیت

متفکران درباره ضرورت و اهمیت اهداف تربیت به نکات ارزنده ای اشاره کرده اند که برخی از آنها اشاره می شود:

۱. تربیت همچون حیات حق طبیعی و فطری آدمی است بنابراین کسی حق ندارد دیگری را از حق تربیت محروم کند. در قرآن کریم آمده است «ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و اهلتان (خانواده تان) را از آتش (جهنم) در امان بدارید» (۱)

غزالی در تبیین این آیه گوید نگهداشت فرزند از آتش آخرت از راه اعمال حق تربیت بر پدر و مادر واجب تر از بازداشت فرزند از آتش دنیاست و این مهم جز به تربیت به دست نمی آید.

۲. خداوند ابزار و شرایط لازم برای تحقق حق تربیت را در کودک قرار داده است؛ اما کودک آنچنان ناتوان است که خود به تنهایی نمی تواند آن را به فعلیت برساند؛ بلکه باید در سایه مربی به این امر جامه عمل بپوشاند تا استعدادهایش شکوفا شود.

۳. انسان برای پرستش آفریده شده و پرستش مستلزم معرفت نفس و شناخت جهان هستی و شناخت خداوند است و تحقق این امور به تربیت و تعلیم وابسته است.

۴. ملاک انسان بودن و ارزش او اخلاق است تحقق و فعلیت اخلاق نیازمند تعلیم و تربیت است. (۲)

^۱ دانشجوی کارشناسی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام پردیس خاوران

Khosrowabadi183@gmail.com



از روایتی که منقول از حضرت صادق علیه السلام می باشد، چنین استفاده می شود که فرزندت سه دوره مهم تربیتی دارد؛ هفت سال اول را باید رهایش کنی تا بازی کند و هفت سال دوم را که در حقیقت به قوه تمیز می رسد، به تربیت او پردازی و درست و غلط ها، و خوبی و بدی ها، و حسن و قبح ها را به او آموزش دهی و در هفت سال سوم باید او را زیر سایه ُ خودت نگهداری که اگر رها شود و هر جایی که می خواهد برود، دیگر دستت بسته خواهد شد و کاری از تو بر نخواهد آمد؛ « دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ ، وَيُؤَدِّبْ سَبْعَ سِنِينَ وَالزَّمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ » پس تا بیست و یک سالگی باید فرزندت را همواره در تحت تربیت مستقیم و غیر مستقیم خود قرار دهی و شاکله وجودی او را با محوریت دین بسازی و همپای شکفته شدن و رشد قوای حیوانی اش، قوای فطری و الهی و انسانی او را شکوفا کنی و آسیب پذیری های معنوی و اخروی او را به حداقل برسانی. (۳)

جایگاه مادر

کلمه ام که در قرآن و روایات به طور فراوان ذکر شده به معنای ریشه و سرچشمه است و به خاطر اینکه کودک حداقل ۶ ماه و حداکثر ۹ ماه در رحم زن است، و با تمام قوا جسم و روح خود را از مایه های وجود زن می گیرد به طور دائم از کارگاه جسم و اعصاب و جان زن تغذیه می کند از وجود او نسبت به کودک تعبیر به ام شده است

در حقیقت مادر اصل ریشه و سرچشمه وجود کودک است و کودک انعکاسی از واقعیات جسمی و روحی مادر و و میوه ای از آن شجره مبارکه است. مدت اقامه نطفه در صلب پدر، بسیار اندک، ولی در رحم مادر نزدیک به دویست و هفتاد روز مهمان است.

روی این حساب تمام یا اغلب گیرندگی و اثرپذیری او از مادر است و به همین علت حسابی که اسلام برای مادر باز کرده برای غیر او باز نکرده است.

آثار وجودی مادر از جسم و روان در وجود کودک ظهور می کند و طفل در اکثر اطوار و برنامه های حیاتش خودآگاه، یا ناخودآگاه بر طینت مادر می طند.

دختر قبل از اینکه ازدواج کند باید توجه داشته باشد یا به او توجه بدهند که مادر فرداست و مادر فردا باید از امروز در غذا، رفت و آمد، معاشرت، برخورد، تربیت، ادب و ایمان دقت کند تا موجد و مولد نسلی



پاک، سالم، با ارزش و مودب به آداب باشد.

از امپراطور فرانسه ناپلئون پرسیدند کدام مملکت در نزد تو ارزشش از همه ممالک بالاتر است گفت کشوری که تعداد مادرانشان بیشتر باشد.

در فرهنگ اسلام آمده است مادر باید مادر بودن خود را برای تربیت و رشد فرزندان حفظ کند. مادر باید برای فرزندان مادری کند تا فرزندان از نظر فکری و عاطفی کمبود پیدا نکنند. حیثیت مادر بودن باید برای زن ثابت و پابرجا بماند و گرنه نسل خوبی به وجود نخواهد آمد.

زن اگر خصوصیات مادری را از دست بدهد و خود را در عرصه گاه آزادی به معنای غربی بیندازد و با هر کس و ناکسی بگوید و بخندد و بنشیند، رفت و آمد کند، به خود و به شوهر و به فرزند، به خاطر لذائذ جسمی و مادی بی اعتنا باشد، مادر نیست، درنده‌ای است که به جان خانواده افتاده و گرگ خطرناکی است که شرف و کرامت و عفت و پاکی خانواده را به باد خواهد داد.

مادر برای تحویل دادن فرزند و وزین، مودب، پاک، با صلابت، خردمند باید دارای وجودی پاک، و فکری سالم، و اخلاقی انسانی باشد.

در قسمتی از زیارت وارث، خطاب به امام حسین علیه السلام آمده است:

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ

همانا در اصلاّب شامخه و ارحام مطهره نور بودی، نوری که از مقامی شامخ، و جایگاهی پاک طلوع کرد، و جهانی را به نور و عدل و علم و حکمت و رهبری صحیح روشن و پس از شهادت آخرت را روشن تر نمود.

در همان زیارت وجود مقدس او را به عنوان پسر خدیجه کبری و فاطمه زهرا (س) می خوانیم:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنَ خَدِیْجَةَ الْكُبْرَى

همچنین حضرت حسین علیه السلام وقتی سر حر بن یزید راه به دامن گرفت، حریت و آزادی او را از هوا و هوس و حاکمیت بنی امیه به مادرش نسبت داد:



أَنْتَ الْحُرُّ كَمَا سَمَّكَ أُمُّكَ حُرًّا

تو آزادی ، و این آزادی را از مادر نشانه داری .

و یا وقتی عمر سعد اصرار بر بیعت کردن حضرت حسین علیه السلام با یزیدیان ورزید، امام عدم بیعت خود و یارانش را به مادران پاکیزه و پاکدامن نسبت داد

حُجُورٌ طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ (۴)

حضرت صدیقه طاهره الگوی همگانی

حضرت فاطمه سلام الله علیها الگو هست و برای همیشه الگو خواهد بود. فاطمه برای ائمه و آخرین حجت خدا الگوست. الگو شدن حضرت زهرا سلام الله علیها تجسم و تبلور صراط مستقیم است و این انسان کامل در صورتی الگو خواهد بود که اولاً رهروان به دنبال ایشان در جاده اصلی قرار گیرند و این اسوه جلودار در مسیر هدف آنان باشد. ثانیاً در تمام راه و مسیر در چارچوب ابعاد ارزشی الگو حرکت کنند و تنها همراهی در برخی مسیر و به صورت ناقص کافی نخواهد بود.

برای شناخت عمق شخصیت این انسان کامل و نمونه آفرینش، ضروری است مراحل و ابعاد شخصیت و زندگی حضرت فاطمه سلام الله علیها مورد واکاوی قرار گیرد. (۵)

تربیت به وسیله چشاندن محبت اهل بیت علیهم السلام

کسی که محبت اهل بیت علیهم السلام را چشیده باشد دیگر محبت سایرین برایش مزه‌ای ندارد ما وقتی خرما خورده باشید دیگر روی آن حلوا مزه نمی‌دهد پس مادر و پدر باید از محبت اهل بیت چنان به فرزندان چشانیده باشند که آن فرزندان از محبت دیگران بی‌نیاز باشد یکی از راه‌های تربیت انسان‌ها آن است که خدا محبت خودش را به اولیا و انبیا خودش می‌دهد نبیا آن محبت را به اوصیا می‌دهند اوصیا نیز آن را به جانشینان خود می‌دهند این رشته محبت به همین ترتیب تا درون خانه‌های شیعیان و مسلمانان وارد می‌شود پدری که به اهل بیت علاقمند است فرزندان خودش را با محبت اهل بیت قوی و غنی و از محبت دیگران بی‌نیاز می‌کند مادری که عاشق اهل بیت است به وسیله همین محبت فرزندان خودش را از محبت دیگران بی‌نیاز می‌کند. (۶)



آنچه که هویداست تربیت امری دراز مدت است که آثار آن نیز در بلند مدت حاصل می شود؛ اما کودک به خاطر فطرت پاک که عاری از هر گونه گناه است، تنها نیازمند مراقبت و آماده سازی است؛ مراقبت برای آنکه دامنش با گناه آلوده نگردد و آماده سازی برای آنکه در زندگی در مسیر عبودیت خداوند قدم گذاشته و جز خشنودی اش هدف دیگری نداشته باشد؛ اما این مسیر نیاز به الگو و راهنمایی دارد که ائمه اطهار علیهم السلام انسان ها را به بهترین نحو به سعادت می رسانند.

پا نوشت

- ۱- قرآن کریم، سوره تحریم، آیه ۶.
- ۲- ملکی راد، محمود، ۱۳۹۵، خانواده و زمینه سازی ظهور، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ۳- صالحان، جعفر، ۱۴۰۱، سلوک با فرزند نه حرف من ، نه حرف تو، حرف خدا، قم، اعتماد، چاپ سیزدهم.
- ۴- انصاریان، حسین، ۱۳۷۶، نظام خانواده در اسلام، قم، انتشارات ام اییها، چاپ ششم.
- ۵- سعیدی شاهرودی، ۱۳۹۶، فاطمه سلام الله علیها الگو برای همه عصرها و نسل ها، قم، انتشارات زمزم هدایت.
- ۶- حائری شیرازی ، محی الدین، ۱۴۰۲، تمثیلات اخلاقی تربیتی، قم، نشر معرف ، چاپ ششم.



فقه تربیتی به مثابه یک دانش

مائه مهدوی^۱

همانطور که میدانید فقه تربیتی زیر شاخه رشته فقه است؛ علم فقه، علمی است که راجع به احکام شرعی بحث می‌کند؛ احکام شرعی ای که از منابع اربعه استنباط می‌شود. این یک کلیت از فقه است؛ اما علم فقه بسته به اینکه موضوعش چه باشد پسوند هایی پیدا می‌کند مثلاً فقه قضا و شهادت، فقه عقود و موارد دیگر.

در گذشته مباحث تربیتی که مربوط حوزه فقه بوده، در بین کلمات فقها و ابواب دیگر گنجانده شده است؛ مثلاً در حوزه ولایت بر کودک یا در ارتباط با تعلیم و تعلم. اما کمتر از ۲۰ سال پیش ایت الله اعرافی به همراه جمعی از طلاب در حوزه قم سلسله مباحثی با عنوان فقه تربیتی را شروع کردند.

همانطور که از اسم فقه تربیتی مشخص است، این شاخه به تعلیم و تربیت می‌پردازد. به عنوان مثال یک سری حقوق را بیان می‌کند؛ از جمله حق علم آموزی کودک؛ یا یک سری وظایف و تکالیف مکلفین را بیان می‌کند که ممکن است دارای حکم وجوب، حرمت و دیگر حکم ها باشد.

علاوه بر بنیان خانواده (پدر و مادر) خود جامعه و حکومت هم در برابر افراد و به کارگیری فقه تربیتی و به عبارتی تعلیم و تربیت جامعه نقش موثری دارند و موظف به انجام شیوه درست این کار هستند، عموم مردم و مومنین هم بدون تکلیف در این زمینه نیستند، که اگر خلأهایی وجود دارد، رفع شود و فرد فقط به فکر خود و خانواده خودش نباشد؛ بلکه جامعه را هم در نظر بگیرد و در جهت آموزش آنها تلاش کند.

سر فصل هایی که در حوزه فقه تربیتی است، کدامند؟

فقه تربیتی شامل هر مسئله ای است که مربوط به حوزه تعلیم و تربیت و دیگران باشد؛ لذا شامل تعلیم و تربیت کل

دانشجوی کارشناسی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام پردیس خاوران^۱

MahdaviFarmaedeh@gmail.com



کشور (آموزش و پرورش) یا در حوزه های دیگر که غیر از آموزش و پرورش است؛ مثل کانون خانواده و سازمان های

آموزشی و موارد دیگر. تعلیم و تربیت در ساحات مختلفی وجود دارد؛ از جمله ساحات تربیت عاطفی، ساحات تربیت

اجتماعی، ساحات تربیت جسمانی و ساحات تربیت عقلی.

منابع اصلی فقه تربیتی چیست؟

منابع اصلی فقه تربیتی به عنوان یک فقه تخصصی که بخواهیم فرایند اجتهاد را در آن ترسیم کنیم، همان منابع اربعه است؛

قرآن، سنت، عقل و اجماع.

حال اگر نخواهیم با نگاه اجتهادی به این رشته نگاه کنیم، مقالات و کتب متعددی که تدوین شده جزء منابعی است که

می توان از آن ها استفاده کرد؛ از جمله کتاب های مرکز آیت الله اعرافی.

همچنین همین ابواب فقه موجود نیز می تواند جزء منابع فقه تربیتی قرار گیرد. (دلالت های تربیتی احکام فقهی)

مثلا در فقه و قضا بعضی از احکام، وجهه حکم تربیتی دارد؛ به عنوان مثال قاضی چگونه باید با متهم برخورد کند و این امر

از نظر تربیتی چه حکمی دارد و چه آثاری از حیث تربیتی می تواند داشته باشد یا مثلا برخوردی که قاضی با کودک که جرم

مرتکب شده باید داشته باشد و این به چه شکل باید باشد، همه این ها می تواند در فقه تربیتی مورد بحث قرار گیرد.

قواعد فقه تربیتی چیست؟

قواعد فقه، احکام کلی فقهی است که قابلیت تطبیق بر بقیه مصادیق و مسائل دارد؛ مانند قاعده لا ضرر.

در عین حال در فقه تربیتی قواعد خاص نیز داریم؛ مانند رعایت توان متربی. مربی باید به این نکته توجه کند و با توجه به

توان متربی به صورت تدریجی آن کودک را تعلیم دهد. (۱)

پا نوشت

مصاحبه با خانم دکتر منیر حق خواه گروه فقه و حقوق دانشگاه امام صادق علیه السلام - پردیس خاوران

